

پهره مند ساخت که خدمت است بزرگ

اتحادیه فرانسه و ایران محض اظهار تشکر بجناب پروفیسر براون و همچنین محض اینکه از نوشتجات این شخص محترم فرانسوی ها و امالی سایر نقاط فرنک هم مطلع و مستفیض بشوند بجناب معزی الیه تکلیف کرد و قبول شد که تاریخ ایران جدید را که معزی الیه بانگلیسی نوشته است و این کنترانس ها را از روی آن می دادند بخرج اتحادیه ترجمه فراسه کرده و در پاریس چاپ و نشر نمایند

محض اینکه از خطبایان واقع نگذشته و ضمناً اسای عزیزم را از ما وقع مطلع نماید که بدانند پروفیسر براون بعد از یک هفته اقامت در پاریس بجه عقیده رفت و از اتحادیه فرانسه و ایران ~~که~~ برای این دیده و رؤسای آن را شناخت چه یادگاری بردند چند سطر از فرمایشات خود پروفیسر براون را که در کاغذی بعد از مراجعت بلندن بجناب ممتاز السلطنه فارسی بسیار بلیغ نوشته و خواهش تشکر از محبت ایرانیان و ض برست پاریس کرده بودند و لابد وزیر مختار باها نشان دادند ذیلاً و عیناً درج میکنم

◀ مراسم جناب براون بجناب ممتاز السلطنه ▶
ایام پاریس یک تشویق تازه بمن داد حقیقتاً حضرتعالی در پاریس معرکه کرده اید کم کسی است که این قدر خدمت بملت نجیبه ایران کرده باشد که آن وجود معود کرده است

ایضاً بعد می نویسد خیال دارم دو هفته اگر انجمن جدیدی در لندن مثل اتحادیه فرانسه و ایران تشکیل بدهم و اگر باین مقصود برسم روابط اتحاد را قیابین آن و اتحادیه پاریس تشدید نمایم که بتوت و اطلاعات هر دو بیفزاید

جناب پروفیسر براون خود بصورت اتحادیه پاریس در این موقع منتخب شد

این است احوال ما وقع و عقیده شخص دقیق عالم و نامدار مثل پروفیسر براون درباره سفارت پاریس و اتحادیه فرانسه و ایران که برای اطلاع و مسرت و امیدواری وطن پرستان عرض کردم

بجهت تداوی یک مرض اول تشخیص ~~...~~
(مرض لازم است)

از چندین سال به این طرف که وطن در حالت انحطاط دست و پا میزد و اولاد بیچاره آن در

تشخیص مرض مادر عزیز خود عاجز و متعجب بود و اگر بعضی ها هم بملت مزاج آن وقوف تام داشته اند بملاحظه پاره خیالات موهوم به ابراز آن جسارت نمی ورزیدند . ولی شکر خدا را که مقتضیات زمانه اولاد وطن را به تشخیص مرض آن واقف نموده و دوائی اصلی و عاجل او را پیدا نمودند که باید مملکت مشروطه گردیده و قانون عدالت بموقع اجرا گذارده شده تا عاقبت صحت در مزاج مملکت حاصل گردد .

ولی حالا باید طوری حرکت نمایند که خدای نخواستہ به افکار مقلبتباه بعضی ها فریب نخورده و دوائی او را عوضی ندهند

مجلس محترم مبعوثان که امروز مانند شناخته وطن و مبعوثان کرام که حکم حکیم خاتق را دارند لازم است که نوعی در خط اتحاد حرکت نمایند که نگذارند امراض شخصییه داخل کار بشود . همه یکدل و یک جبهه کرده بینند کدام دوا بحال وطن لازم و سودمند است

وظیفه اول آن حکیم های خاتق این است که جلو این تشدید مرض را بگیرند و نگذارند خللی بارکان و پایه امید و آسایش ملت برسد .

برای پیشرفت امور مملکت لازم است که معارف و تجارت را ترویج نموده روز بروز به ترقی و تزايد آن همت کارده و بکوشند

معارف که اول رکن سعادت و سلامت انسانیت است بجهت ما ایرانیان از قوت یومیه واجبتر است و یکی از شعبه معارف جراید است . همانا جراید حکم مؤذن و یا سبارت الاخری ناقوس را در ملت دارد که خاطر آنها را ابقاظ و بسوی لوازم یومیه و موحیات حیاتیه مطوف بدارد و اسباب ترقی و تمدن یکشبه تجارت را به ملت حالی و بیان نماید ؟ هر کس احیای مدارس کند احیای نفوس کرده است و امروز تمرحیبات انسان علم و بوستان مدارس است . افسوس خوردند به خطبات ماضی بی فائده است (الغایب لایستدرک) باید در فکر استقبال و تلافی مافات شد . اقدامات خیر از رؤسای وطن مشاهده و اهتمامات و مساعی جلیله از امنای ملت و دولت بظهور برسد . باید ایشان به ترویج معارف بکوشند و هیچ وقت از محیزه بی منزه ایستادند ~~...~~ چنانچه

چشم نباشند ،

نجات که روح مملکت است و غذای انسانی وطن بسته به رواج آن است باید اولیای امور به ترویج و تپه و تحصیل اسباب آن بسی مجاهدت و همت فرمایند ،

وظیفه اهالی مملکت است که تثبیت کامله خیریه نمایند و هر قدر قوه تشبته اهالی زیاده باشد بدین است که وظائف حکومت هم آقدر تقیص می نماید و باوظائف سازه اشتغال می کند ، اگر بی غرضانه به حال وطن عطف نظر نایم خواهیم دید که تا حال هیچ اداره دولتی از روی قانون حرکت نمی نمودند و هر کس برای منعت شخصیه خود هر چه به فکرش می آمد از روی آن عمل می نمود و در اندک مدت صاحب کروور ها می شد ، اگر اهالی قدری همت کرده اقدامات مجدانه در اصلاح احوال فرمایند و با معارف و تجارت مشغول شده به امورات حکومتی چندان دخل و تصرف نمایند و حکومت هم مشغول وضع قوانین داده جات بشود در اندک مدت دستگاه ماشین دولتی به خوبی به راه می افتد و رفاه سعادت ملت بعمل می آید

علی اکبر تقریبی زاده

خطابه آقا میرزا مسیح سیرازی

(نمایندگی قشون دو طلب ملی به ایالت)

(جلیله فارس)

بسم الله والحمد لله در بهترین عید مسعود و نیکوترین روز فیروز بکه بزرگ عید مذهبی است عرضه میداریم الحمد لله الذی جعلنا من المتمسکین بولاية اسدائه الغالب علی ابن ایطالب علیه و علی اولاده صلوات الله و اذعیه خالصه جلودانه خود را در حضور شاهد صادق تسلیم شده سنه اعلی حضرت قوی شوکت شاهنشاه اسلام پناه خدایه ملته و دولته نموده و تفکرات صمیانه عاجزانه خود را از مراحم کامله حضرت اشرف فرمانفرمای مملکت فارس مدظله العالی تقدیم داشته استعدا می یابیم که زود تر اسلحه این جاگران را مرحمت فرموده و مختصر وقتی هم از برای خدمت نظامی محض شرف و افتخار ماها معین فرمایند که با کمال رضا و رغبت طالب و حاضریم (وکیل و نماینده هیئت نظامی ملی)

چنانکه مسیح سیرازی

ایضا خطابه ایست که در میدان مشق (قشون دو طلب ملی داده شده) بسم الله الرحمن الرحیم از آنجائیکه در این چند سال تمام مملکت ایران خصوص فارس همه روزه گرفتار یک فتنه و انقلاب و ناامنی و التهاب گشته که کروورها مال بر جان و اغراض و شرف مسلمین تباہ و خراب گردیده و تمام این انقلابات بواسطه یک اعمال غرض و پیشرفت مرض شخصی بوده که قیصریه را برای دستمالی آتش زده چاه قنار می انگیخت و چه خونها میریخت چه آتشها می افروخت و چه خانها می سوخت احدی از عقلا و دانایان بی باین معنی نبرده و راه این انسون و حادوگری را پیدا نکرده یا اگر داشته و خاموش نشسته شریک خون بیگناهان گشته ، واعجباً در یک شهر این همه اختلاف که چرا و شورش و بلوا از کجا چرا باید حتی بدبخت زحمت کسی که بدست رنج خود کرده حاصل نموده با خوش دل بیالیند و جوی دیگر بدون زحمت بر خوان الوان نشسته از خون دل طیلان سرخاب رخ آمیزند ، هیچ بست جز عدم کفایت و بدبختی خود ماها که دست از حقوق خود کشیده با نهایت ذلت تن بقضا داده ایم و اگر اتفاق کرده با هم مقصد می شدیم که جلوگیری از این بلیات ارضی می نمودیم خداوند هم ما را از بلیات سہائی محوط میداشت ، لذا امروزه حافظان حقوق ملی را مخاطب داشته عرضه میدارم . آقایان من حافظ حقوق ملی یعنی چه اگر منظور باسم بی سہائی است حیف نیست انسان خود را اسباب مضحکه قرار دهد و در نظر دوست و دشمن خود را دروغگو قلمداد نماید ؟ آیا شرف و وجدان شما تحمل این نارنگ و عار را خواهد نمود ؟ نه بخدا قسم هیچ بی شرفی قبول نخواهد کرد پس اگر راست میگوئید چرا مردانه مقصد نمیشوید و قسم یاد نمیکنید که من بعد با کمال جهد و کوشش دست برادری و اتحاد با هم داده جلوگیری از نغمه این ساز و باهنگ این آواز که کوس رسوائی و بر شرفی شما را بر سر هر بازار زده بنماید و حفظ امنیت و استقلال مملکت را باوری که شایسته مردان است و سزاوار وطن پرستان نگاهداری کنید و نگذارید هر مرضی بهوای نفس قسم زند و هر متمدنی از برای دیک طمع خویش

تس بملکتی اندازد که دودش چشمه خوشیدرا
 ره و شعله اش چشم عالی را خیره سازد به بینید
 همبد جستجو کنید تفحص نماید سرچشمه را پیدا
 آید سرورشته را بدست آورید علت را بدانید
 نقاب و نامنی از کجا حاصل میشود منشاء اختلاف
 ز چه نقطه است همان را پیدا کنید عنوانش را
 دست آورید خصمش را حاضر نماید هیچ عذر
 پذیرید جداً بایستید طرفین را در مجلسی که از
 رجوه اهالی بلد آگنده نموده اید بیاورید از روی
 صحت و دقت رسیدگی کنید حق از باطل و عالم
 از جاهل را تمیز داده با حق همراه باشید باطل را
 مجازات دهید هر که باشد تا قدر به نشیند و نزاع
 رخیزد و بیچاره مردم از شر این کشمکش و مظالمه
 آسوده شوند و دست خوش تعدیات و ظلم نکرده
 آنوقت حافظ حقوق ملی و حامی عدالت اصلی و
 فرزندان رشید وطن و غیرتمندان با شرف محتسب
 خواهید بود مجامع انسابت شما را به نیکی یاد و
 در تمام عالم بفرزانتکی و رشادت شاد خواهید گردید
 اینک این بنده از برای ادای این دین با قسم
 بکلام الله مجید حاضر و بقول خویش ثابت هرکس
 همراهی دارد بسم الله والسلام علی من التبع الهدی
 خادم وطن مسیح سرباز شیرازی

همچنین خطاب است که قشون
 (دو طلب ملی به انجمن ایالتی داده)

مقام منبع هیئت انجمن محترم ایالتی فارس دامت
 برکاتهم. الحمد لله امروزه از حسن وطن برسی حضرت
 اشرف فرمانفرمای مملکت فارس مدظله العالی و حسن
 انتخاب و کلاهی محترم انجمن ایالتی دامت تائیداتیم عموم
 ملت از خواب غفلت بیدار و بایک هیجان قلبی عموماً
 از برای رفع نواقصات مملکت با کمال رغبت دست
 اتفاق و اتحاد بامم داده با جان و مال و شرف
 حاضر گشته و حتی المقدور جلوگیری از مضار و
 مفاسدیکه باعث انقلاب و اختلاف مملکت است وجه
 همت ساخته لذا این هیئت حافظان حقوق ملی و
 عده از نجیبای ملت در محضر مبارک انجمن محترم
 ایالتی حاضر شده بعد از مراسم تبریک و تهنیت این
 عید سعید ملی که بزرگترین اعیاد مذهبی است
 عرضه میدارند که اشخاصیکه از برای بطلان هیئت
 انتخاب انجمن ایالتی و وکلای فارس که بطریق

رقته اند تلگرافاتی بطهران بخارم کرده اند که اساسی
 آن اشخاص و صورت تلگراف آنها در انجمن
 محترم ایالتی ضبط شده و ماها صورت تلگرافها را
 اساسی اشخاص را مطالبه مینمایم که در این خصوص
 دقت بعمل آورده هرگاه حقیقتاً این انتخاب را آن
 اشخاص از روی صحت ندانسته و میتوانند ثابت کنند
 ما هم با آنها همراه و ثانیاً انتخاب وکلا نمایم و حال
 آنکه یقین داریم این انتخاب از روی صحت شده و اگر
 از روی غرض و فساد مملکتی است مکافات اعمال
 آنها را از هیئت انجمن محترم ایالتی جدا خواستاریم
 تا حق و باطل در برده نماند من بعد احدی از
 حدود خود تخلف نکرده و در سدد اختلاف وفاق
 نباشند
 نماینده هیئت سربازان ملی
 خادم وطن مسیح شیرازی

مکتوب نزد

در همین اوقات مندرجات نمره دهم جیل المبین
 که در ذیل عنوان منضله وزارت داخله و ادارات
 تقشیش لازم دارد و عنوان مجازات وائی و مرتشی
 که در نمره دیگر یاد آوری اولیاء امور شده است
 چه فایده که هنوز آن اثراتی که باید به بخشد
 نه بخشیده و بطوریکه باید بعضی کلیات مناسبت
 اصلاح نشده تا حال جز عده تلگرافات از وزارت
 داخله یا مالیه برای رفع نظم هرکس که بحکومت
 شده و جز صدمه و خسارت و چوب دیگر نتیجه
 نداشته دیده نمی شود و از عدم مجازات هیچ اثری
 برای احکام دولت نیست، جناب سردار خازن که
 امروز حکومت نزد دارند البته خدمت حضرت تعالی
 معروف هستند، نیل بان امر بزرگ حکومت شهری
 مثل نزد برای ایشان اولاً از اولیای امور ضبط
 بزرگی است ثانیاً بدون مقتضی و این مسامحه و اعمال
 در تشکیل ادارات و جلوگیری از اقدامات استبدادی
 و خامت دارد عجب آنجاست که میخواهند بان اصول
 مستبدین را مشروطه خواند کنند، هیئات هیئات
 باری از تعدیات و اسخافات استبدادی و عنوان
 قانونی در عمل مالیات و جریمه و غیر آنچه عرض کردیم
 که دیگر هیچ رمقی برای اهالی مانده و چنان دهم
 چشمی گرفته شده که چه بنویسیم به توجیه محکم
 مرکز میشود به اعتباری و اختیارات انجمن داریم
 اعضای انجمن هم از مرکز اینستانی ندارند

اگر مورد صدمه واقع شوند خواطر جمعی بهرایی مرکز و تلافی خسارات نیست ، روزی نیست که جمعی به انجمن منظم نشوند و بتوسط آنها بحکومت خواهش رفع ظلم نشود و ثمری داشته باشد ، تمام بجواب های مسکت و عنوان قانون میگذرد و مجدد اگر بتوانند آن مطلوبین را باستطاق می کنند ، این است که مال املاک و عاقبت آن صدمه و خسارت است

باری حضرت مستطاب آقای حایری همین واسطه حضور در انجمن را نسبت بسابق ترك فرموده بودند یعنی گاهی تشریف میآوردند و باین جهت سایر اتصای انجمن هم خود را قادر بر طرف شدن نمی دیدند بوسائل مختلفه به دار الشورای ملی شیداده ارگانه و بعضی از محترمین و حجج اسلام را در مرکز اطلاع داده شد و این چند روز تلگرافات متعدد در تحلیل آقای حایری و آقای آخوند ملا محمد حسن رسیده گویا بحکومت هم تلگرافات شده است ، اگرچه از طرف حکومت هنوز نتیجه روز نکرده ولی دیروز نایبالحکومه به انجمن آمده و جناب آقای آقا سید حسن طهرانی که عصویت انجمن را دارند و الحق تشکیل هم از کنایت و اقدامات حسنه ایشان و بسته بوجود ایشان است ایرادت لازمه بمشارایه گرفته آنچه لازمه وکالت و شئونات عصویت انجمن بود اظهار داشتند و در ضمن گفتگو آقای حایری هم وارد و تهدیدات قانونی به نایبالحکومه کردند که چرا من غیر قانون مداخله در امور شرع میکنی ، چرا ب مردم ظلم میکنی ، شخص حکومت آدم صحیح است تمام خرابیها از اجزاء است چرا بمرض اهالی نمیرسید اجحافات در مالیات جریمه ها چه چه چه ، دیگر چیزی باقی نگذارید الحق انجمن را احیا فرمودند ، آخر الامر نتیجه این شد که بعضی مطالب را نایبالحکومه یاد داشت کرد که رسیدگی و اصلاح نماید ، ولی چون نایبالحکومه شخص مدبر حراف نکته دان ذرنکی است همه این بی اعتدالها را از او میدانند و تا یکدرجه هم صحیح است چرا که هرچه بگوید میکنند امیدواریم که انشاء الله بعد از این وضع تغییر کند و اسباب آسایش و رفاه فراهم گردد ، در حالیکه اهل یزد از

چندان رکون بمشروطیت ندارند و اقدام نمیکند جناب مستطاب شریتمدار آقا میرزا سیدعلی بسبب حرفی از عضویت انجمن استعفا دادند باید بموض ایشان دیگری انتخاب شود ، برای نمایندگی مرکز هم که هنوز اقدامی نشده یعنی امتناع شد ، چون مشیر الممالک بحکم حکومت عضویت انجمن نصار داشت کسی تعرفه نگرفت و هر چه از انجمن و اهالی هم اعتراض شد اثر نکرد و از این جهت انتخاب صحیحی نشده اگر ترتیب صحیح پیدا شود باید تجدید انتخاب نمود و در مذاکره همین مطلب هستند تا چه شود اداره عدلیه من غیر رسم در ارك تشخیص داده امورات شرعیه و عرفیه هر چه باشد جلوگیری میکنند و بمیل خود حکم مینمایند ، قاضی عدلیه مدیر معرفت است از این باقی احزا معلوم میشود ، اداره نظمیه ریاست میرزا ارسطو حال تشکیل شده و اقدامات در خراب کردن سنگرها که در بازار و کوچه ها ساخته شده نموده ، اگرچه اصلاً بعضی اقدامات او قابل تشکر است یعنی نسبت بادارات دیگر نظم دارد ، ولی بواسطه گرفتن رشوه و صرف نظر از خراب کردن بعضی دکا کین و بازارها و تصرف در بعضی کارها موجب رنجش اهالی است و عنوان مساوات در کار نیست ، انشاء الله امیدواریم اولیای امور توجیهی فرمایند و زودی مناسد اصلاح شود

مکتوب با امضاء

مکتوب بوشهر که بامضای حا کر در عمره ۷۰ روزنامه شریفه (ایران نو) درج بود ، مریح و منای اعراض اشرار بیکار بد کار رشوه خوار مدار واقع شد ، باوجودیکه بنده از ترس جان ابا از آن کردم ابدأ بخرج زلفت بجرم موهومی همان مقاله که از جمله مندرجاتش سواد تلگرافات حضرات آیات الله نجف اشرف آقای آخوند ملا محمد کالم خراسانی و آقای آقا شیخ عبدالله مازندرانی بود دو نفر از کافر سیرتان بوشهر تکفیرم کردند ، وحکم و فتوای وجوب قتل و نهم دادند ، عوام احق هم انواع واقسام صدمات برین عدالت خواه بیگناه وارد آوردند چندین بار اشرار مست با شش لول بر قصد کشتن دیال کردند و خدایم نجات داد نگذارد خون پاکم بدست این نایبکان ریخته شود

تغیب نیاز مشغول بتلاوت قرآن بودم بفتناً دو
 فرسید برین عریب هجوم آوردند و بجدی لکد
 و سنگ و جوب و تیره در حضور جماعتی بر اعصابی
 خطر دارم زدند که عس کرده بحالت مشرف بموت
 افتادم ، بالاخره تهدید قتل و مهیم بوده بکشتم
 سوگند یاد کرده رفتم ، حقیر شرح حال واقعه ظالمه
 که برین معلوم بیگناه وارد آمد بحضرت حکمران
 مهران خلیج فارس نوشتم و بمقتاد مالک قانونیه
 پلیس برای حفظ حاکم با قبول احرت یومیه طلبیدم
 ولی ، مشواری سگذشت که نایب حس محکم شفاهی
 حکومت جلیله که ادا سمت رسمیت قانونیه مدارد
 آمد درحالتیکه من مدحت معلوم ما کر شکسته رزمین
 افتاده و چون صید تیر خورده از درد اعصاب مجود
 می بچیدم و نزدیک مرگ بودم بدون اعلان هیچ ادعا
 و اثبات هیچ حق و هیچ محاکمه و مراد و هیچ
 هیچ مرا نکول حال داده از ملک موروثی متصرفیم
 به حقت بیرون کردند و ادا شهیدیم که مدعی کیست
 و دعوی چیست و هر قدر برای سید تر آن قسم
 می خورم که من بیدین بستیم شیده اتی عشری ام
 بابی دیان کمال عداوت دارم مخرج نمیرود میزماید
 این مکتوب را که در نمره ۷۰ روزنامه (ایران نو)
 نوشته صریحاً حاکی از بی دینی تو است عرض
 میکنم ایست توه میکنم میزماید توه ات قبول نیست
 حالت راجع محاکم شرع است من بهر طریق که پیش
 رقم شود اموال تو را از تو میگیرم و برین فریبه
 قذوای صریح می دم که بر تمام امراء مسلمانان قتلت
 واجب کسانی است باید بکشند

شرح این مجرای و این وحشیگری
 بهتر آن باشد که مدد دیگری

ایست با کر شکسته بحال مشرف بموت بر زمین
 افتاده گویا آمدن طیب برای معالجه ام عدعن است
 که دنبال هر کس میفرستم اعتنائی نمیکند اگر حاکم
 بدین منوال ماند بهمین صدمه خواهم مرد

اگرچه از قرار تحقیقات صحیحه که دوستانم دارند
 همان اشرار آشوب طلب که کتکم زدند خیال دارند
 بفتناً با چند تن اشرار بیدین مثل خودشان برین
 یکس نیم صده با اسلحه هجوم آورند و بکشند و
 ما که نظارت داشتیم و...

عدالت و فدای مظلومان شوم ، اهل بوشهر خوب
 است درین واقعه وحشانه غور و فکر و فکری
 باحوال آتیه خودکتنند نکته دامان خورده بن بچشم
 باریک بینی و دانش می یتند که وقوع همین واقعه و
 عدم مجازات اشرار آشوب طلب سبب تجری و جرات
 طلحه و منتج به نتایج وخیمه و منجر بهرج و مرج
 و سلب امنیت مالی و جانی که نمره اش بی توضیح
 واضح است خواهد شد و الا از من میگذرد ، گیرم
 مرا کشتند و اموال را بناحق غصب کردند هزاران
 بهر از من مهوب و مقتول ندر کافر سیرتان شده
 اند ، زهی سعادت که شریح قاضی چو حضرت
 سیدالشهدایم محرم حق گوئی غارت کنند و شهید طم نماید
 ای مستبدین بیدین دوره استبداد سپری شد دست
 از حرکات استبدادیه وحشانه بردارید محال است که ما
 مشروطه خواهان دوباره تن باستبداد دهیم نفس آخر
 تان است هر چه خواهید کنید

ای ما ایمانات ما مسلمانان از قتل و تهب
 می ترسیم جهاد فی سبیل الله با شما میکنیم ما شیعیان
 مقلد و مطیع احکام مطاعه واجب الاطاعه دو آیت الله
 علی الانام و دو حجة الاسلام نایب الامام آقای آخوند
 ملا محمد کاظم خراسانی و آقای آقا شیخ عبدالله مازندرانی
 ارواحنا لها الفدائیم ، بحکم الهی اسلامی که بتوسط
 آن دو بزرگوار با مشروطه خواهان رسیده مشروطه
 را شرعاً واجب و استبداد را حرام میدایم ، بتدبیرات
 شما که بوئی از رایحه طیبه دیانت حقه اسلامی به مشامتان
 رسیده است اعتناء مداریم

ای اشرار بیکار بیچار استبداد جسدی است
 بی روح و نزدیک بپوسیدن است زنده نخواهد شد ،
 مثل استبداد و شاهانمانا مثل جوجه خروس
 مذبوحی است که تندتر از وقت زندگی می دود
 تا یکدفعه از پای افتد درین دم نزع هر چه خواهید
 کنید هر قدر توانید بر سر مظلومان تاخت و تاز
 نماید دست انتقام الهی در کین است و عنقریب
 چنان دمار از روزگار تان بر آرد ،

ای وزرای جلیل عطف توجه بجانب جنوب ایران
 فرمائید هیچ می دانید درین نقطه مهیه چه آلتی
 ظم و آشوب مشتمل است ، اشخاص معلوم الحال در
 بوشهر چه فطوری باطریق می کشند و چه...

بهرل دارد میکند ابدأ مالم و رادعی دوکار نیست و کسی بفریاد مظلومان ناتوان نمی رسد، آخر چرا بگر مظلومان خلیج فارس نیستید ،

ای خدای دانا من چه گناه کردم که آنقدر آزادم می کنند بجزم نوشتن يك مکتوب خیر خواهانه بیخبرانه بیطرفانه کر و بهلویم را شکستند، بکول جام دادند، املاکم را بدون محاکمه و اعلان ادعا و اثبات هیچ حتی ضبط و اینک بخیدال کشتن هم هستند ، مستحفظ برای حفظ جام می خواهم نمی دهند و نمیگذارند کسی برای محافظتم بیاید ، من عابری سیلم می خواهم ازین شهر بحساب مرج و مرج خود را نجات دهم قوه حرکت از زمین ندارم راه فرار هم مسدود است، پس از سالها که بزبارت وطن عزیزم آمده ام از هموطنان عزیزم این همه ادیت بنم، بچشم هر چه میگویند میکنم و میگویم ، آقا سید مرتضی مجتهد امری را از بوشهر بیرون نکردند، خانه اش خراب و اموالش قارت نشد؛ هیچ کار خلاف تهنیدی در بوشهر نشده است نظم بوشهر بهتر از نظم تمام دنیا است دیپلماتهای عالم در بوشهر تحصیل علم و اقتباس تمدن میکنند اگر بقول من است تا هر چه گویند بگو طوطی صفت بگویم، من چند ماه است که در بوشهرم و اگر نجات یابم میروم مغزم از ضرب سنگهای سخت پریشان شده خودم نمی دانم چه مینویسم آنقدر میدانم که بجزم مکتوبی که در نمره ۲۵ روزنامه شریفه ایرانش نو درج بامضای معروفم بوده بحال مشرف بموت در اسبام انداخته اند و املاکم را غصب کرده اند

ای خدا تو گواهی که بی گناهم و داد رس ندارم دو عریضه هم تا بحال بانجمن مقدس ولایتی نوشته اعتنائ ندیده ام ، در تردیدم که بکدام يك از قونسلخانه های دول مذحبه پناهنده و متحصن گردم کسی که بفریادم می رسد نمی دانم چه کنم نه استبداد و نه مشروطه این است که می بینم رواج است اندر ایران خدا ما را مرج و مرج ملک ما را باشد خانه نی هست پایت

مظلوم یکی (م - ا - د)

سواد لایحه وزارت مالیه

مجلس شورای ملی در باب ضرابخانه وزارت

مالیه میرسد نقره هائی که ضرابخانه سابقاً کنترات کرده است در شرف اتمام است و اگر نقره جدید کنترات نشود ضراب خانه تا يك ماه دیگر بیشتر نمیتواند کار بکند و چون از روزیکه اینجا کنترات بسته شود تا روزیکه نقره وارد شود چهل پنجاه روز طول میکشد، برای اینکه ضرابخانه دو چار تعطیل زیاد نشود و راه این عایدی مختصر هم بسته نشود اگر باید کنترات کرد امروز باید کنترات بشود هر چند تنقیده وزارت مالیه این است که تمیم در این نقره فقط از وظایف وزارت مالیه و پیشنهاد آن بمجلس شورای ملی مستلزم تداخل قولیست و اینکه در مجلس شورای ملی سابق مذاکرات این مطلب بیان آمد و مخصوصاً اینکه این مذاکره هیچوقت در مجلس سابق قطع نمیشد دلائلی داشت که فعلاً وزارت مالیه ذکر آنها را زائد میدانند و برای اثبات این مدعا که مسئله کنترات نقره ضرابخانه از مسائلی نیست که وقت مجلس را مشغول کند همین قدر کافی است که ضرابخانه يك اداره دولتی است که برای دوران و رفع حاجت عمومی تاسیس شده و مادام که دائر بودن آن منای مصالح عمومی نیست بلکه منقص منافع است باید دائر باشد و دائر بودنش فرع آست که نقره گرفته و مسكوك عوض بدهد تنحصص اینکه چه وقت دائر بودن ضرابخانه موافق صرفه مملکت و چه وقت مخالف است با وزارت خانه خواهد بود که مشول صحت امور مالیه است و اگر اعتمادی بقوه اجرائیه هست باید در وظائف خود آزاد باشد و هر وقت اقدای برخلاف مصلحت باید باز پرس شود، مجلس شورای ملی سابق گویا بر اصل ۲۳ و ۲۴ قانون اساسی که عطای امتیازات را منوط به تصویب مجلس داشته است استناد کرده در عمل نقره ضرابخانه مداخله میکرد و حال آنکه در قانون اساسی چنانکه تصریح شده مقصد از امتیاز امتیاز تشکیل کپانی ها و شرکت های عمومی یا انحصار های تجارتن و صنعتی و فلاحتی است نه کنترات نقره ضرابخانه و جز در این يك اصل چیزی که تصور شود در این امر حتی بمجلس شورای ملی بدهد در قانون اساسی نیست ولکن باوجود مراتب فوق چون بواسطه همان مذاکرات مجلس شورای ملی سابق و مذاکراتی که درین باب در کسیون عالی

و هیئت مدیره و غیره شده و تا یکدرجه اذعان
متوجه باین مسئله شده است وزارت مالیه بی ضرر
میداند که یکنوبت عقائد خود را درین باب بعرض
وکلای محترم رسانیده در ضمن رفع شبهه اولی یعنی
موقوف بودن کنترات نقره ضرابخانه بتصدیق مجلس
شورای ملی، شبهه دیگر که تصور ضروری از این
راه برای مملکت باشد نیز رفع نماید برای رفع این
شبهه عرض میشود که در سنوات ۱۳۲۲ الی ۲۵
بواسطه ترقی قیمت برات آوردن نقره بایران صرف
نمیکرد بلکه برعکس صرفه درین بود سکه طلای
مسکوک خارجه را بایران آورده تبدیل بقران نماید
و آنقرانها را در خارجه ذوب نموده بقیمت نقره
فروشند و این تجارت تقریباً معادل یک ده یک
فایده میکند، در رمضان ۱۳۲۵ اول بانک شاهنشاهی
اقدام با آوردن نقره عمده و گنتراتی درین خصوص
بوزارت مالیه که در آن زمان با جناب ناصرالملک
بوده پیشنهاد کرد، قیمت نقره درین کنترات از قرار
مقالی ۲۱ شاهی معین شده بود، داخل شدن کنترات
مزبور در کیسیون مالیه مجلس سابق اسباب مذاکرات
و اختلاف آراء شد، عقیده جمعی از وکلای تجار
این بود که آوردن نقره برای دخول مملکت مضر
است زیرا که آوردن نقره بایران قیمت برات را
بواسطه کثرت مشتری برای خرید نقره طبعاً ترقی
میدهد، و تجار باید مال التجاره را بقیمت اعلا
خریداری نموده متحمل خسارت شوند، و بعلاوه دو
مقام تادیه قرض دولت بخارجه که زاید مسکوک طلا
باشد بدولت ضرر متوجه میشود و بر فرض دولت
از یکطرف از راه ضراب خانه منتفع شود از
طرف دیگر بواسطه ترقی قیمت برات در پرداخت
تنزیل قروض دولتی ضرر میکند، بعضی دیگر
ار کیسیون برخلاف تجار اقامه دلیل میکردند و
مالاخره قرار شد یک کرور نقره از بانک شاهنشاهی
و یک کرور و نیم هم از بانک روس و تجار
داخله قبول کرده اجازه نقره را در آن زمان بهمین قدر
محدود نماید همین سکه صاحبان کنترتهای نقره
فوق الذکر شروع با آوردن نقره کرده قضیه بانضال
مجلس شورای ملی پیش آمد و برخلاف استدلال
و وکلای تجار که تصدیر کردند از امداد نقره

گذاشت بطوری که وارد کردن نقره در مقالی
یکقران و کمتر متضمن صرفه بود یکی از وکلای
تجار که خودش سابقاً طالب کنترات نقره بود
ولی بواسطه تجدید مجلس موفق نمیشد خوبه
ملففت این نکته بود و فوراً پس از رفع
مانع ضراب خانه را تصرف نمود، از راه بستن
کنترات و خریداری شخصی کرورها نقره دودمدت
یکسال استبداد وارد و سکه نموده و فلامم از قبیه
کنترات های او مقداری باقی و تازه در شرفه
اتمام است، ضرابخانه وقتی که دائماً در کار باشد و
بمقتضای استطاعت خود کار کند در سال دوازده کرور
تومان ضرب میباشد، و اگر فرضاً این قدر نقره
بضرب خانه برسد یا قیمت مقالی یکقران سالی
نصد هزار تومان با رعایت حقوق گمرکی باید
دولت میشود و این سوای مبلنی است که از بابت
اجرت حمل عملجات و نقل نقره سرحد بطهران
یا کرایه حمل مسکوک از طهران بولایات یا اجرت
عملجات کار و امثال آن باید اهالی مملکت میشود
بر فرض نقول طرفداران منع ورود نقره بواسطه
داخل شدن قیمت برات ترقی میکنند، و فعلاً نرخ
لیره دو یاسه قران بالا برود دولت در ۲۰۰ هزار
لیره که هر سال باید تنزیل پول بخارجه بدهد ۴۰
الی ۶۰ هزار تومان ضرر خواهد کرد در حالتیکه
از راه ضرابخانه سالی نصد هزار تومان فایده میبرد
اما این که تجار میگویند بواسطه ترقی برات
با ضرر وارد میآید آنهم خالی از صحت است زیرا
که تاجر بهر قیمتی مال التجاره وارد نماید باضافه
فایده میفروشد مگر این که بخواد سود موهوم
را حساب میکند در حالتیکه اصل این استدلال
غلط است، زیرا که ترقی و تنزیل قیمت لیره مربوط
با آوردن و نیارودن نقره بایران نیست بلکه مناسبت
با ترقی و تنزیل تجارت ایران و کیفیت نسبت صادر
و وارد تجارتی است هر سال مال التجاره ایران بیشتر
بخارجه برود و بقیمت غالبتر بفروش برسد صاحبان
آن مال التجاره پول زیادی در خارجه بیشتر خواهند
داشت که یا باید مسکوکاً وارد ایران کنند یا زائد
بر اندازه حاجت مال التجاره خارجه بایران بیارند
و چون از آوردن مسکوک فایده نمیبرند، سر حکمتند

نقره را سکه زده در مقابل برات به پردازد و نفع او را هم به برد و این اصلح شقوق و انفع بحال ملت و دولت است

و این را هم عقیده داریم که بر حسب قانون اساسی کنترات نقره را اهم بر اینکه وزارت مالیه بخرج دولت بنماید یا ننماید باید با رضای مجلس مقدس باشد ولی صلاح ضرب و عدم ضرب سکه بسته برای وزارت مالیه و مسئولیتش با ایشان است

بندر عباس

حکومت بندر عباس با جناب اعتضاد السلطان پیشکار بنادر، و کارگذاری باجناب آقا سید حسین حاتم السادة می باشد مصباح دیوان در تلگراف خانه متحصن و تلگرافاً مخبره با طهران و بوشهر دارد، مالیات شمیلات تا کنون چهار هزار تومان باقی است که وصول نشده لکن باید نایب الحکومه سابق شده و با مرحوم حاجی امیرالتجار که ضامن بود تصدیه حساب خود نموده و هرچه وصول نشود ضرر بر ضامن وارد خواهد آمد، مذاکره انتخاب یک نفر وکیل جهت بوشهر هست، برای روانه شدن وکیل بنادر برای طهران نثار نیز معین شده لکن بواسطه ایام طشورا هنوز تعرفه داده نشده است، شاید از فردا تعرفه بدهند هر قسم شد بدعرضه خواهد داشت، آنچه مزاحم روزنامجات می شوم و اصرار داریم که در سرحد مملکت مأمورین عالم کاردانش لازم دارد بگوش کسی فرو نیرود و بکنی اولیای امور ملاحظه سرحد مملکت ندارند، باز مصباح دیوان اگر بی علم بود بی تجربه نبود و تا یک اندازه بقدر قوه خود در بعضی موارد جلو گیری می نمود، ولی مأمورین حالیه مشکل بتوانند یک که قانونی جواب بدهند لابد هر قسم میل همسایگان باشد باید اقدام نمایند (خداوند جلب توجه اولیای امور را بسوی سرحد مهم خلیج فارس نماید)

(لار)

امروزها حاکم ندارد، حکومت با اجزاء رفته اند (سببه) جهت دریافت مالیات و معلوم نیست انجام چه شود، اطراف لار بواسطه نبودن حکومت بنای دزدی و ناامنی شده، اشرار طایفه (نفر) مجدد سر بدزدی برداشته چند نقره حال و جواب توابع را غارت نموده اند از طرف ایلات هم

بایران پیاورند، در صورتیکه آوردن نقره ممنوع باشد لابد مال التجاره دیگر می آورند و در حقیقت از این مبلغ ترویج مال التجاره خارجه بعمل آمده و فایده نیز از دولت خلع میشود، در حالیکه از داخل شدن نقره پول رایج مملکت زیاد و براعتبار مملکت افزوده میشود برخلاف امتعه دیگر که تماماً در معرض تلف است و از آوردن آنها جز نفع عمومی نتیجه حاصل نمیشود، بزرگترین دلیل عدم دخالت نقره در ترقی قیمت برات این است که مطابق (استاتیک) مسلم شده است که در سنوات ۱۳۲۳ تا ۱۳۲۵ که نقره وارد ابراش نمیشد قیمت برات لیره از همه وقت گرانتر بوده است بطوریکه بردن نقره مسکوک بخارجه صرف می نمود، بنابر دلائل فوق وزارت مالیه امروز ضرب سکه و دایر بودن ضرب خانه را بکنی بی ضرر دانسته بلکه نافع بحال مملکت میداند و تعطیل این اداره را از نقطه نظر مالیه بکنی برخلاف مصلحت فرض نمیکند خاصه با وضع حالیه امروز که چنانکه بر همه کس معلوم است وزارت مالیه برای پرداخت وجه مهم ترین حوالات که یک ساعت تأخیر آن ها موجب زحمات بزرگ میشود بکنی معطل است و تا نتیجه مذاکرات استقرار معلوم شود البته مدتی وقت لازم است که در عرض آن وزارت مالیه از تهیه اعتبار برای مخارج و حوالات فوری ناگزیر است، و فعلاً غیر از این سکه از طریق ضرابخانه قسمی از این اعتبار تحصیل شود چاره نیست، مسلم است وزارت مالیه در بستن کنتراتها نوطیت صرفه دولت را بقدری که فوق آن تصور نشود خواهد نمود، و بقیقی قرارداد میکند که کثر از آن امکان نداشته باشد تا فایده دولت باعلی درجه برسد و مسئولیت صرفه دولت را برعهده خواهد گرفت

حدال المتین

عقیده ما این است که ضرب سکه باید در ایران منحصر بدولت باشد و وزارت مالیه هر قدر مقتضی میداند سکه کند و هر زمان که صرفه مملکت نباشد ترك نماید، یعنی وزارت مالیه خودش نقره خریده و وارد کند و این امر در کمال سهولت و چندان اعتبار خارجی در کار ندارد، وزارت مالیه دوازده کرور نقره از خارجه بخرد که باقساط وارد و برات بدت معین بر سر آن باشد و تا موعد برات

که امروز در نزدیکی لارستان می باشند نیز اشرار بنای دزدی و اغتشاش گذاشته اند. هرگاه توجه ایالت فارس جهت حکومت لار بزودی منوط بآن اطراف نگردد دور نیست اغتشاش و ناامنی زیاد شود و اسباب زحمت فراهم آید. حاجی علی قلیخان حاکم سابق لار در شیراز می باشد، رئیس عدلیه شیراز وارد شده عرض حال خود را و از گونه در قتل فرزندان و بستگان و نهب اموالش نموده. حجة الاسلام آقا سید عبدالحسین هم میگویند نیز از بابت غارت لار عارض شده جوابی که از طرف رئیس عدلیه داده شده ایست که الی ۱۵ شعبان عنو عمومی شده و نمی توان مذاکره نمود. حاجی علی قلیخان در صدور کار می باشد که مراجعت بلازمیاید بعقیده بعضی اگر به قسمی مراجعت کند که ایالت اطمینان حاصل نماید بجهت بصر و امنیت لارستان خوب است. ولی (پسر کشته را کی بود آشتی)

کرمان

بموجب خط کرمان جناب قوام الملک نظم و امنیت در تمام حاکم کرمان برقرار داشته اما بموجب نوشته جات هیج مانوس بایالت کرمان نیست، امور مالیه را نیز متقبل نشده و مالیه کرمان با میرزا عبدالرحیم خان موقر الملک وزیر کرمان می باشد که سابق نیز با ایشان بوده. از طهران ۴ نفر مامور ترتیب امور ایالتی کرمان وارد شده اند. جهت مالیه و نظمی و عدلیه و بلدی و غیره. تاریخ ۱۴ دیحجه ظاهرا وارد رفسنجان شده اند

(میناب)

نایب الحکومه قبل بواسطه اظهار نظم اهالی گویا معزول باشد زیرا که کربلانی محمد حسن که دو سه سنه سابق نایب الحکومه میناب بود از لشکر بر حسب امر معین التجار آمده عباسی و ه یوم قبل روانه میناب شد که ظاهرا قوام الملک مراجعت نماید، شاید بالنسبه جهت اهالی بهتر باشد

اعتدالی مامورین تلگراف

این ایام با وجود دایر بودن سیم ایرانی در بندر عباس و با آنکه قیمة مخبره تلگرافی نیز کمتر می باشد و مناسب تر است بیشتر مخبره الی بوشهر و طهران با سیم انگلیسی می شود و اهالی مخارج زیادترا متحمل شده و به کینه اجنبی می رود سبب آنکه اهالی اطمینان بر رئیس تلگراف خانه ایران

ندارند و کلیه اظهارشان این است که باید اداره تلگراف محل اطمینان و اسرار عمومی باشد، بخلاف مشاهده میشود مخبره محرمانه قبل از اینکه تلگراف بخودمان برسد از اصل مطلب مدعی ما خبر داراست و کما هو مطلع شده بلکه دیگران نیز فهمیده اند و این مطلب هم ظاهر نمی شود مگر از تلگراف خانه باین واسطه مجبور شده ایم که با سیم انگلیسی مخبره نایب مخصوص این ایام که مصباح دیوان در تلگرافخانه بناهند و از بندرعباس رئیس تلگراف خانه واسطه و در بوشهر نیز رئیس تلگراف خانه را نزد جناب دریایی واسطه قرار داده که مجدد کارگذاری نایب الحکومی بخودش شود و عرایض متظلمانه مردم مدر رود، اینست که آنچه اهالی باید مخبره نمایند حتی آنچه جناب اعتضاد السلطان پیش کار بنادر نیز از عباسی به بوشهر مخبره با حکمران دارد با سیم انگلیسی می باشد، زیرا که اگر با سیم ایرانی مخبره نمایند احتمال نرسیدن دارد، در صورت رسیدن هم اول صورت تلگراف را در اینجا ارائه خواهند داد و جواب هم که رسد کذاک در این صورت چه می توان کرد چون مباشرین امور به تکلیف خود رفتار نمی نمایند و رئیس تلگرافخانه در امر حکومتی دخل و تصرف مینماید، آیا خیانت و خراب کاری علاوه از این میشود که اهالی مجبور باشند سر خود را باجنی بنمایند چون اظهار خواهد شد و با بودن تلگرافخانه ایرانی پول ملت بکینه احب برود، خدایا خودت وسیله بساز و انصاف و دیانت و وطن خواهی به تمام مباشرین امور کرامت فرما (م - ع)

مکتوب بی بی

این مطلب واضح است که عموم وطن پرستان ایران که در بلاد خارجه ساکن و بسر می برند از همه وقت بیشتر انتظار بست مقرری را دارند که خطوط اخوان وطن را مطالعه کرده از سرگذشت و واقعات برادران خاك پاك وطن عزیز مطلع باشند، چه قدر اسباب فرحناکی و قوت قلب است وقتی که اخبار آسودگی و امنیت خصوصی قرائت می شود، و بجه اندازه پزمرده میگردد قلوب برادران که در خاك خارجه هستند از اینکه خدای نخواستہ خبر موحشی خوانده شود، این بنده از آنجا که هزار گونه آرزوئند و طالب اخبارات خارجه و وطن

طریق از وقایع و آسودگی عموم برادران میباشم
 بدوچه سالی در اخذ و تحصیل اخبارات هستم که
 حقوق تصور است و بدقت تمام يك ثلث از لیل
 و نهارم سکه میگذرد اوقات خویش را بصرف
 قرائت اخبار صرف میسکنم و اخبار را که از
 خواندن آن بریشانی حاصل گردد بهر نوعیکه پیشرفت
 شود مکتوباً یا غیر مکتوباً همان مطلب واقعه را
 تکرار خواستهام که اصل ما وقع را استندراک کرده
 باشم، چندی قبل از عدم حل وقل مالالتجاره بهبهان
 و بودن اغتشاش و ناامنی در طرق و شوارع آنجا
 بموجب خطوط متکاوره بدون هیچ غرض ومرض
 حق و حقیقت وقوع را به اداره جبلالتین زحمت
 خادم و عرضه داشتم و در جریده فریده جبلالتین
 شماره ۲۴ درج شد
 از آنجاییکه خداوند تبارک و تعالی برحمت
 واسعة خویش توسعه خیریه نتایج اعمال بفرضانه هر
 بنده را می فرماید این است که بداد و فریاد
 عموم اهل بهبهان رسیده که جناب آقای سالار
 حمزید و جناب آقای صادم الملك با لشکری
 از احرار و جوانان کار دیده و مردان جنگ
 آزموده تشریف فرمای بهبهان شدند و اقدامات خدا
 پسندانه نمودند که نخستین آن جلوگیری از اشغال
 صحرائی بود و نظم و نسق با کتانی را در داخل
 و خارج بعمل آوردند که از اخبار امنی و آرامی
 آنجا میتوان گنت که در هر نفسی جای هزاران
 شکر است، کدخدایان و خوانین هر طایفه آنجا
 که از شجاعت و مردانگی این دو وجود مشروطه
 خواه با خبر شدند به تسلیات محض اقدام و کمر
 خدمتگذاری برهان زدند، مابقی عاملان و ضابطان
 که قدری از دور و برخوردار از همت مردان
 مشروطه خواه نبودند بکوب از گوشه غفلت بیدار
 گشتند که اردوی باشکوه احرار بسرکردگی آقای
 صادم الملك وارد رودخانه زیدان شدند، و از حسن
 توجهات نوع برستی و همت موروثی معظم الیه عموم
 عاملان و کدخدایان را باطاعت درآورده و بشرايط
 مخصوصه مشروطه هر فردی از افراد آنها را بکار
 و خدمت که باید مصول دارند مقرر فرموده طرق
 و شوارع از عبور مابین و قوافل به کمال امنی و
 آرامی است، اوصاف نظایات و آسودگی عموم از

عهده تحریر خارج است
 (پست دوتای فلك راست شد از خرمی)
 (تا چه تو فرزند زاد مادر ایام را)
 واجب شکرگذاری هستیم اگرچه گفته اند
 (از دست زبان که بر آید)
 (که از عهده شکرش بدواید)
 عموم هموطنان که در خاک خارجه میباشم بدعا
 گوئی حاکمان عادل متشکریم (سید احمد دمدشقی)
 (مخبرات تلگرافی امیرالملك در خصوص)
 (امنیت راه بجناب صولتالدوله)
 آقایان تجار که در واقع اسباب رواج ما بحتاج
 مملکت هستید برای حفظ حقوق خود شایسته در
 تلگرافخانه مبارکه حاضر شده از حضرتعالی در طام
 ملت برستی اسباب تسهیل عبور مالالتجاره خودشانرا
 میخواهند خوب است حضرتعالی با آن نیت قلبی که
 دارید و بنده اطلاع دارم در راحت و اطمینان
 آقایان بکوشید، چه ضرر دارد محض حفظ حقوق
 آقایان يك مقدار از قوه خدا داد طیب خودتان را
 صرف راحت این مردمان محترم فرمائید که طاعت
 بجز خدمت خلق نیست (علی اصغر)
 جواب - همین قدر خدمت عموم تجار عرض
 نمایم که در هر مورد بنده خدمت خود را ظاهر
 کردهام و عوض هیچوقت همراهی و مهربانی
 ندیده بلکه کمال بی مهربی، نهایت شکر میکنم که
 بی عوض خدمت نمایم و باید بنمایم چرا سکه
 طلبکاری بهتر است، حالا هم بنده هم قسم حاضر
 ولی اجازه تام از مرکز لازم دارم تجار محترم
 خوب است از مرکز رفع موانع را جداً و عاجلاً
 بخواهند (اسمعیل)
 تلگراف تجار - حضرت اجل سردار عثمان
 مقصود از زحمت انتظام و امنیت راه از شیراز
 به بوشهر میباشد که نظر بوطنخواهی تعهد و اقدام
 فرموده که اسباب آسایش طامه و از دیاد شرف
 حضرت اجل فراهم شود (عموم تجار)
 جواب - عرض کردم که اگر همه را بی مهربی
 به بینم وظیفه وطن خواهی را از دست نخواهم داد
 شکایتی ندارم که کردم حالا هم چیزی دردل ندارم
 جز حب وطن و خدمت به نوع علاج فوری
 می خواهد نمودند قصدتان چیست، اگر بفرمائید

قتضای باید حاضر این خدمت باشد. عموم کلاتران حاضرند و نهایت دل شکستگی را دارند بجهت عداوت ورزی ایالت میگویند با آنها قوه که داریم جز خدمت بوطن کاری نکرده ایم نتیجه این شده است که هرکس جبهه معامه بشهر میزود میگیرند نسق مینمایند مالهارا از دست شایست میگیرند و در حبس نگاه میدارند این نتیجه خدمت است که تصور دیگران میکشد فوراً تمام عالم راپورت میدهند که کار قشقای است. اگر منطبق بداخله تنها بود میتوانستیم تحمل تهمت نایم ولی مسئله راجع بخارجی را نمی توان تحمل نمود. حلال هم علاج را از مرکز بخوایم اگر رجوع خدمتی بنمایند سکه راحت قلب هم داشته باشیم تا حد جان میکوشیم ولی باین حال بی هر خدمتی برویم مارا گناه کار جلوه خواهند داد بهر حال در مقتضیات ملت همه قسم حاضریم (اسماعیل)

تلاکراف از بوشهر به کازرون

همه وقت کار مفیدین القاء شبهه بوده است با آن رای وجودت خدا داد چرا باید تصرف در مزاج جنابالی نماید. با اینکه در ایام ملاطفت هیچوقت در حق شناسی فروگذاری نکردیم مستور بودن مساعدت تجار در حضور جناب عالی اسباب استعجاب است. اینکه در این مورد با کلهران در سدد همین ترتیبات مستند ماها هم تلکرافاً مطالبه حقوق و حفظ امنیت را نمودیم. ولی مطلب مهم که تمام رشته ها متصل برشته تجارت است و سالی مبالغه گزاف در بوشهر عثور میگیرند از اقدامات شخصی خودتان بفرمائید و چه اقدامی از طرف تجار لازم است بفرمائید همه را راجع به غیر بفرمائید علاج فوری لازم است (عموم تجار)

سؤال جواب حضوری تجار بوشهر

(با جنابان اشرف حضرت سپه دار اعظم)

(رئیس الوزراء و حضرت سردار اسعد)

(وزیر داخله دامت اقبالهم)

حضور حضرتن اشرفین رئیس الوزراء و وزیر داخله دام ظلها. در تلکرافخانه مبارکه برای تحصیل تحفظ حقوق عموم تجار مملکت حاضر اجازه می

(جواب ام) هر قسم مطالب و اعتراض است بفرمائید (وزیر داخله - سپه دار اعظم) سه ماه است از راپورت های ولایتی تلکراف مبارکه مستحضر شده است که از بوشهر تا اسفهان چه قدر اموال دماغویان از میان رفته که دیگر سلب قوای شده و رشته تجارت منفل شده است و اگر میخواهید بوعده فرستادن استعداد مثل ایالت مملکت بگذرانید چون آخر تحمل است قوه صبر و تحمل نداریم. اگر واقفاً فکر ماحل برای رغبت و محفوظ بودن رشته تجارت دارند بفرمائید و اگر غیر ممکن است صراحتاً بفرمائید که خود را مدیون بانک نایم و چهارشاهی موجودی یا اعتبار خود را به فرنگ و عودت دادن در بوشهر صرف نه نایم و مایوس گشته تجارت را موقوف داریم و از خداوند مسئلت نایم که ماها را راحت فرماید (عموم تجار)

جواب - عموم تجار از بی ترتیبی امورات و بی نظمی طرق راپورت های دیگر هم رسیده بود و چون اعزام قشون از مرکز ملاحظه بد مسافت باین زودی شده وزارت داخله اقدامات لازمه نموده از بابت مالیات فارس بایالت فارس حواله فرستاده شد اجازه از وزارت جنگ هم تصویب شد که در محل طبعاً استعداد محیی تهیه کنند و در سدد انتظام طرق و شوارع برآید. پیشتر این بی نظمی راه ها از بوی احمدی و رسیدن حاکم کوه گیلوی بوده آنها وارد شده تا کیدات لازمه از قلع وقع اوار و حفظ نظم راه ها شده است. با این ترتیب اقدامات ایالت امیدواریم که دیگر بی نظمی واقع نشود و آسوده بشود استعداد هم که از دولت اعزام شده امیدواریم که وعده مانند وعده های سابقه نباشد و امورات بروفق قانون و وعده های صیح و صریح باشد (سپه دار اعظم - وزیر داخله)

ایضاً. اقداماتی که میفرمائید برای آینده نتیجه میدهد عجاتاً اموال مردم در راه است مفصل غارت می برند امنیت طرق و از سردار عشایر نمودیم جواب میفرمایند اجازه مرکز لازم است مضایقه ندارم چنانچه امنیت طرق را از سردار عشایر بخوانند فوراً منظم خواهند کرد. الان تلفیونی از دشت ارژن رسیده سکه حضرتن بوی احمدی بیخام به اهالی

طلبه آماختد

§ طفیانی رودخانه (سین) در فرانسه نقصان زیاد وارد آورده، عبور و مرور در [پاریس] مسدود، هزاران عمارات منهدم، سیلاب نواحی پاریس نیز موثر خوف است سپاهیان، عمله پلیس و ملاحان با کمال جرأت مشغول کارند

§ تخمین این نقصان فرانسه [۱۰] ملیون لیرا است از اخبارات بعد چنان مستفاد می شود که طفیانی آب در مضافات فرانسه رو به کمی است این سیلاب از [جنبل] الی ممالک اسپانیا و [ایتالیا] امتداد داشته بالغ ده هزار مردم بی خانمان شده اند، اشعار در این موقع با تبدیل لباس مشغول بسرقت آمدند

§ هیئت وزارت (استریا) استعفا داده اند

§ تلگراف [پاریس] ظاهر مبادود که طفیانی رودخانه [سین] تا سارت خانه آلمان رسیده، راه آهن [اورلینس] که در ساحل دریای [سین] است شکسته، از امروز ظهر طمیانی شروع به کمی کرده

§ حسب الخواص انجمن قشونی وزارت (یونان) استعفا داده، و انجمن تائین وزارت میکند مشروط بر اینکه مسودات قوانین لازمه را امضا دارد، قرضه جدیدی را قبول و مجلس را از نو تشکیل دهد، انجمن مذکور (وینی زیلوس) را نایب خود مقرر کرده تا فیصله مسائل متنازعیه کزیت را نماید

§ اشاعت یافته که بجهت ضیق وقت اعلیحضرت پادشاه انگلستان در (۱۵) فروری نخواهند توانست افتتاح مجلس را ملی نمایند، شاید ۲۱ فروری مجلس انعقاد یابد، امروز (مستر اسکویت) ناگهان وارد لندن و با (مستریس) گفتگو نمود همین امروز بسمت (ریوریه) خواهد رفت

§ مخبر (روتز) از (توکیو) خبر میدهد که (پیرن کومورا) در مجلس ملی ضمن نطق خود اظهار داشت که دولت ژاپون اراده دارد که بندر (آنزور) را برای تجارت عمومی باز نماید تا که مملکت (منجوریا) ترقی کند، و سهوات برای تجارت مرقوم شود (پیرن کورا) امیدوار است که دولت امریکا و سایر دول تحریرک (مسترناکس) را منظور نمایند

§ (دیوک و دچس کنات) از (نیلس) و همپارشدند

بار آتیا ایت از دشت بیرون کتند یا آنکه دشت اوتون را به بیجا می بریم مساحت در این موقع یک کرور مال التجاره را بشارت میدهد (عموم تجار)

اینجا تلگراف مکاریان

حضور مبارک حضرت مستطاب آقای سیدالواعظین محضی به فریادها بچارگان رسیدگی فرمایند در عرض پیسته روز ۸۵۲ قاطر با مال التجاره، حضرات پور احمدی سرقت نموده اند، امنیت نقطه فارس را غیر از صولت الدوله کسی دیگر نمی تواند، هرگاه غیر ازین باشد از امنیت نقطه فارس چشم به پوشید (عموم مکاریان)

اخبارات خارجه

§ در مجلس ملی دولت عثمانی رئیس الوزرا پروغرام وزراء را قرائت نمود، و کلامه بالآفاق منظور نمودند

§ والا حضرت خدیو بعد از انجام اعمال حج معاودت بمصر نمود

§ رودخانه [سین] از طفیانی تخمیناً ۲۰ فوت (قرب ۷ ذرع) بلند شده و کم کم زیادتر می شود، عبور و مرور از سه جسر که شکسته موقوف، لوله های مرزب تحت الارضی شکسته و خوف شیوع و با نیز می رود، هزاران نفوس بی خانمان و خوف قحط هم هست، مجلس ملی فرانسه [۸۰۰۰۰] لیرا وجه برای امداد قرا منظور کرده

§ والا حضرت خدیو وارد مصر و استقبال شایانی از ایشان شد

§ مخبر [روتز] را خبر رسیده که درباب تجارت ناجایز اسلحه خلیج فارس تا کنون بن لندن و حکومت هند محابره جاری است تدارکات فوق العاده لازم دیده اند

§ اعلیحضرت پادشاه انگلستان ۱۵ فروری مجلس ملی را افتتاح خواهند رود،

§ [دیوک و دچس آف نلت] بسبب وقوع طوفان در [نیلس] توقف داده اند

§ شب گذشته اعلیحضرت امپراطور آلمان در سارت خانه فرانسه شریک دعوت بودند، بعد از جنگ [مورا کو] این اولین موقعی است که امپراطور محظّم الیه در سارت خانه فرانسه قبول دعوت نموده اند

§ قاتل [کرنل کارلوف] را در [پترسبرگ]

۱) درباری (سین) باز رو به طغیان نامه ، و آب
 سرفه تر از بخی جبرهاست ، و هنوز هم می بارد
 ۲) تلگراف (آن) ظاهر میدارد که بین [رالیس
 تپونوکس] و انجمن فوجی (یونان) کاملاً اتفاق
 رای است که مجلس ملی منعقد و انجمن قشونی بر طرف
 شود معنون است که پادشاه در ترمیم نظامنامه راضی
 است بشرط آنکه دست اندازی بر اختیارات سلطنتی نشود
 ۳) اعلیحضرت [ادوردهقم] پادشاه انگلستان [پرنس
 هنری پروشیا] را عهده امیرالبحری انگلیس دادند
 ۴) [کاونت پیتز] پوم المولود امپراطور آلمان
 لطق بلینی در لندن داده که آلمان هماره خواهان
 صلح و مسالمت و ابداً در خیال ملک گیری نیست ،
 تعمیر دسته جات جهازات جنگی مطابق آن پروعرا می
 است که چند سال قبل از این فیصل شده ، دولت
 آلمان که در دریا برای سبقت بر سایر دول سعی و
 جهد است محض اینست که حفظ اعراض تجارت و
 مستعمرات خود را بنماید

۵) سبب اصلی طغیان در فرانسه اینست که آب
 رود خانه (سن) از کثرت باران زیاد شده و بعد از
 باران برفباری سختی شد و از آب شدن برفها آب
 زیاد سیلان یافت

۶) اعلیحضرت ادوردهقم پادشاه انگلستان
 موازی هزار لیرا و ملکه نیز هزار لیرا برای امداد
 قزاقی فرانسه اعانه فرستاده

۷) از تلگراف [برلن] ظاهر می شود که دوبارلمان
 آلمان یکی از اعضا (هروالدنبک) اظهار داشته که
 حالت کنونی پارلمان قسمی است که ده نفر آمده
 میتواند پارلمان را بند کنند ، از استماع این خیر
 اعضاء صداها را بلند کرده گفتند که این مورث
 هتک حرمت پارلمان است ، [هروالدنبک] اظهار
 داشت که افسران البته اطاعت خواهند کرد

۸) والا حضرت خدیو ۹ فروردی را برای افتتاح
 شورای مقرر کرده تا در عهدنامه (آبنای سوین) غور بنمایند
 ۹) [پادشاه مانیول] (۲۰۰۰) لیرا برای وجه
 اعانه به مصیبت زدگان (پاریس) عطا نموده

۱۰) از آن خبر رسیده که کابینه وزرا استعفا داده
 ملت جیباً رضا داده که مجلس ملی منعقد شود ،
 پارلمان حالیه بر طرف شود و موقتاً برای کارروائی
 (مسیووراگومن) ترتیب وزارت دهد ، در صورت

بر خلاف این امر انجمن فوجی کارروائی سخت
 خواهد کرد ، روسای دولتی بمحض پادشاه در قصر
 سلطنتی شور میکنند

۱۱) تلگراف از (آن) رسیده که پادشاه برای
 انعقاد مجلس ملی رضا داده

۱۲) تلگرافی از (پترسبرگ) ظاهر میدارد که دولت
 روس به دولت چین نوشته که در تفسیر راه آهن
 (چنچو ایکن) اغراض دولت روس شامل است
 و در دادن امتیاز آن دولت چین را لازم بود
 رای دولت روس را بپذیرد ، دولت ژاپون نیز
 به دولت چین نوشته که اغراض وی هم در راه آهن
 مذکور شامل است ، و شرکت او هم لازم بود
 ۱۳) از تلگراف اسلامبول ظاهر می شود که از
 حرکات (بلغاریا) اهالی بخوف اند چه وی در
 سرحد جمع آوری قشون می کند ، اگرچه در
 خصوص فوج سرحد با کمال مسالمت کارروائی مینماید
 و مسوده قانون جدیدی در این باره در مجلس ملی
 پیش کرده ، و در سرحد قوای لشکری را زیاد می نماید
 ۱۴) تلگراف [توکیو] ظاهر میدارد در جنوبی
 [فونگون] واقع [کوریا] سخت خبر اغتشاش
 رسیده ۲۰ نفر ژاپونی را قتل رسانیده اند

۱۵) تلگرافات روتر راجع بایران
 (۲۸ محرم - ۱۰ فروردی)

دولت ایران رحیم خان را از دولت روس
 خواسته گویا دولت روس در تسلیم آن امتناع نماید
 (غره صفر - ۱۲ فروردی)

خبر روتر از طهران خبر میدهد که انکار
 روس بحواب دولت در بحث اخراج قشون خود از
 ایران برانفروختگی زیادی در اهالی طهران پیدا
 نموده است ، دولت روس را هیچگونه جواب در
 مدافعه از این سؤال ایران نیست

۱۶) جبل المتین
 اگر دولت دوس رحیم خانرا تسلیم بدولت ایران
 نه نماید بر تمام عالم بدینق خود را در انقلابات ایران
 ظاهر خواهد داشت پیش از همه بدینق را از
 انکار بحث اخراج قشون خود ثابت می نماید مسلم
 است که ازین و بعد ملت و دولت ایرانش هم
 نیات فاسده روس را درباره خود دانسته تکلیف
 خویش را خواهند دانست

(جل المین کلکتہ)

(مدیکل کالج استریت نمبر ۴)

HABUL MATIN OFFICE
1, MEDICAL COLLEGE STREET
CALCUTTA

(کلیه امور اداره با)

(مدیر کل مؤیدالاسلام است)

(هر دوشنبه طبع)

(سه شنبه توزیع میشود)

(یوم دوشنبه)

(۱۰ صفر المصفر ۱۳۲۸ هجری)

(مصادف با)

(۲۱ فروردی ۱۹۱۰ میلادی)

و کلا حق اخذ ابواب بدون قبض ندارند و تا وقتیکه
(مشترکین را قبض مخصوص سال هفدهم دست نیاشد)
(ذمه شان بره شناخته نمیشود)

نامه مقدسه

المشربک

سنة ۱۳۱۱

مراسلات خصوصی بدون امضای

(معروف اداره درج نمیشود)

(قیمت اشتراک)

(سالانه — شش ماهه)

(هند و برمه)

(۱۲ روپه — ۷ روپه)

(ایران و افغانستان)

(۴۰ قران — ۲۰ قران)

(عثماني و مصر)

(مجیدی — ۳ مجیدی)

(اروپا و چین)

۳۰ فرنک — ۱۶ فرانک

(روس و ترکستان)

(۱۰ منات — ۶ منات)

در این جریده از هرگونه اخبار و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملی بحث میشود
(مقالات عام المنفعه مقبول و در انتشارش اداره آزادست)

پلتیک تازه روس

(یا اعظم دسائس او)

رموز دانان سیاست کوا پوشیده نیست که کلیه ترقیات روس از تنزل مسلمانان بوده، نقشه ترقیاتی که پتر کبیر برای دولت روسیه ریخته تمام مبنی بر ذلت و خذلان مسلمانان است، یعنی هر قدر مسلمانان تنزل نمایند روس ترقی خواهد کرد، همین که بقرن سیزدهم هجری مراجعه شود دیده خواهد شد که آنچه روسها یافته از گم شده های مسلمانان بوده، و این خواب صد ساله مسلمانان تمام از فشار روس بود است که مانند بختک خود را بروی آنها انداخته و مجال نفس کشیدن آنان نمیداد هنوز هم روسها دارند همان مسلك و نقشه پتر کبیر را در فشار مسلمانان تعقیب می نمایند، خداوند قوت دهد ژاپون را که تقابل این بختک شومی که بروی مسلمانان یکصد سال افتاده بود خنثی نموده و سبب گردید که مسلمانان قسی تازه کردند، این بود که از یکطرف ایرانیان و از طرف دیگر عثمانیان قدی راست کرده خود شان را از زیر بار ظلم و استبداد نجات داده مجددا در جاده رهروان ترقی افتادند،

این نکته هم ناگفته نباید ماند که مسلك عمده سیاسيون هموماً و روسيان بالخاصه در ممالك ملل ایشانی سیاست در پیشرفت مقاصد خود همانا قتل

انگیزی و انداختن تفاق بین آنهاست، درست هرگاه در تاریخ ترقیات روس غور شود بخوبی ظاهر خواهد گردید که پیشرفت او تمام از قتل انگیزی و انداختن تفاق بوده، سیاسيون روس درین ماده گوی سبقت را از سایر پلتیک دانان فرنگ ربوده اند، و از بذل مال و جان ذره درین راه کوناهی ندارند، مسلمانان عالم خاصه ایرانی و عثمانی راست که بدقت درین موضوع غور و تأمل نموده تا از روی علم بتوانند باطل السحر حرکات سیاسيون روس را فراهم آورند، باید دانست که عمده ممالک زرخیز معور روس همان ممالکی است که به تدریج از مسلمانان گرفته که عبارت از (ترکستان) (قزاق) (گرجستان) قارص (کریمیا) وغیره میباشد، حالا ما کار نداریم که بچه اصول تفاق کارانه این همه ممالک زرخیز وسیع اسلامی را تحت تصرف خود آورد آنچه محقق است بالغ بر ربع رعایای روسیه که جمله یکصد و چهل میلیون بشمار آمده مسلمان و ممالک متوطنه آنها هم متصل و وصل بممالک آزاد مستقل اسلامی یعنی ایران و عثمانی میباشد، و این امر طیبی است که اثر ترقی و آزادی ایران و عثمانی با آنها نیز سرایت خواهد نمود هیچ مانع قوی و رادع قدری جلو گیری ازین اثرات نتواند نمود چه ادبیاتشان يك و شعار مذهبی و طادات و اخلاق آنان یکیت، روسها بقوه قاهره

مقتدر و جلوگیری آسان نمیباشند، یعنی همینکه بوی آزادی بمشاهشان رسید محال است تمذیبات و اجحافات غیر عادلانه روس را تمکین نماید، تمام نفوس روسیه یکصد و چهل میلیون و چهل میلیون آن مسلمان است اهالی فنلند و طستان و یهود و ارمنه و سایر ملل و اقوامی را که تحت اطاعت خویش آورده از ظلم و ستم روسیه بستوه آمده که بیک گرفتاری روس تمام علم خود سری خواهند براراخت، ولی هیچ ملتی در روسیه نه عده شان باندازه مسلمانان است و نه اسباب ترقی برای آنان مانند مسلمانان میباشد، ممالک مسلمان در روسیه مانند سلاسل هم پیوسته و با یک خط مستطیل از شرق تا غرب روس را محاط است، این نکته سیاسیون روس را بر این داشته که انداختن اختلاف در اسلامیان هم آنها را بخود مشغول و از بیل مدرجات ترقی باز و هم استیلائی خود را بهمین وسیله بر مسلمانان عالم مسلم میدارد روسها امروزه تیریکه در ترککش دارند همین است و داروش که برای ملت مسلمانان تصور کرده مانع است، یکی از داماین روس میگوید «که ارتجاع مسلمانان طبعاً انحطاط روس را داعی است چرا که علت العلیل ترقیست روس زیر دستی مسلمانان بوده روسها راست از بیداری مسلمانان پیش از جمله ژاپون به ترسد چه زبان ژاپون محدود و آبی بود و نقصان بیداری مسلمانان بر روس تدریجی و تیر محدود است»

مرکس در (ملوونک) وزارت خارجه انگلستان که در انقلابات ایران اشاعت داده مارک شود می بیند که وزارت خارجه روس بموجب وزارت خارجه انگلیس بجه بیانات بلیغ این نکته سیاسی واقف می نماید

اینک روسها مستأصل و در چاره جوئی بمسلك اولیه خود که عبارت از انداختن نمایین مسلمانان است اوفتاده و آغاز از تملک تحت خود خویش نموده اند چنانچه تشریح این مقال را مکتوب ذیل بخوبی تواند کرد

نگارنده موثق مطالبی از حقوقند می نویسد

(۱۱ محرم سنه ۱۳۲۸)

(شب تاریک ویم موج وگردابی چنبره هائل)
 (کجا دآمد حال ما سبک باران ساحلها)

کان ندارم که مسلمانان آزاد کما یلیق از مصائب حقیقی اسرای ترکستان آگاه باشند مأمورین دولت روسیه در عین احترام شعائر اسلام دقیقه فروگذار نمی کنند نه اینکه مسلمانان آزادی کامل در ادای مراسم مذهبی خود ندارند بلکه علی دست اندازی

در حقوق دیاتی آنها می شود و چون بدقت مشاهده می رود هر قدر روس را نفوذ در ترکستان پیش می شود تصرف در مواد مذهبی مسلمانان پیش تر می کند زنان و دختران عماید و علما و شرقا را اعوا نموده از برده بیرون کشیده در سر بازار نشاند در حایه آنان میکوشند و هرگاه متولیان و مریدان آن زن و دختر صدائی بمعانیت بلند نمایند دمار از روزگار شان بیرون می آید و بسزا های سحت دچار شان می نماید مسلك روس این است که هر قسم بتواند اقوامی که تحت حکم او هستند مندرجاً آنها را روسی نماید و این مسلکی است که برای روسیان بطر کبیر معین کرده که تعقیب می نماید و حال آنکه بسیاری از داماین آنها ملتقت شده اند که تعقیب بر این مسلك بطر کبیر گرد محال گردیدن است علی پایه و روسیان در خاک خود آزادی داده و این هم برای پیشرفت مقاصد پلنیکو آنها در ایران است چنانچه در انداختن انقلاب و انهدام مجلس بدستکاری همین سلسله کارهای بزرگ را از پیش برد مجلس مقدس ملی ایران در لوائح آنها بجمع الشیاطین نام بردار گردید زندان تلاش بوما از محمد علی گرفته خویشتن را حای وی جلوه دادند لوائجی که برای محمد علی آمد و او را بفتح و غلبه بر مجلس بشارت دادند تمام به پلنیک روسیان بود بنازی بیک تازه روسها ریخته که خوف آن است شراره اش عالم اسلامیت را در هم سوزاند

سید ایوب و ارباب حل و عقد روس مصمم گردیده اند که پیش از پیش در انداختن ساق بین مسلمین و انقلاب در تملک اسلامیه بکوشند علاوه بر دستور العملهای مخصوص که درین موضوع خاص به بایدگان روسیه در تملک اسلامیه داده شده جمعی را با کینه های بر زر و سلیقه های مفتنه تملک اسلامیه خاص عثمانی و ایران گسیل داشته که هر وسیله بتواند اختلاف در اهالی و ادلاب در تملک اسلامیه اندازند و مأمورین روس هم در هر نقطه مأمور همه گونه همراهی این دستة مقدمین میباشد دولت روسیه جماعتی را من غیر رسم از یهود و بائیان و ارمنه و برخی از مسلمانان بدتر از آنها را دستیار آن هیئت نموده اند و این جماعت پراکنده در تملک اسلامیه شده مسکه در هر نقطه باقتضای موقع دست بکار شوند در ایران مسلکشان سازش با رؤسا و هوا داران باطنی استبداد و هوا پرستان شوم و بدنام نمودن رؤسای مشروطیت و بدنامی

ساختن ملت از هیئت و بنیه و انداختن نزاع بین شیعه و سنی است، در عثمانی مخالف ساختن ارامنه و یهود با اصول مشروطیت عثمانی و قدرت مسلمانان از شرکت یهود و ارامنه در مواد مابکی و سازش با اروپاییون و متذکر ساختن ملت عثمانی از انجمن اتحاد و ترقی که پشت و بنام مشروطیت اند و اختلاف انداختن بین شیعه و سنی و امثال آن چون اساس امر برای عقب انداختن مسلمانان و اشغال آنات بیکدیگر است تمام توجه مأمورین سری و علی روس معطوف باین نکته اهم یعنی انداختن فتنه و اختلاف بین مسلمانان بسم شیعه و سنی میباشد، چه در تمام نقاط اسلام نشین این فرقه مخلوط بیکدیگر و هرگاه ماده اختلاف بین این دو فرقه علالت پیدا نماید دبری نیکبخت و طولی نمیکشد که عوام اسلامیت را بخرای عظیم پیش آمده و مسلمانان چشم باز کرده خواب آلوده را چنان بفلت و بی خودی اندازد که تا ابد نتواند سر بلند کند، و همین منتهای آمال روس و رفع دهشت اوست از عروج مسلمانان که هبوط خود را حتمی تصور کرده است، این نکته نیز مخفی نباید که سیاسیون روس کمال خوف و دهشت را از اتحاد دو اتر عثمانی و ایران دارند و چنان بنداشته اند که هرگاه این دو دولت متحد شوند اتحاد ازین سر تا آن سر بمالک اسلامی را که مانند سلاسل متحد بیکدیگرند نتواند شد و چنان اتحادی را سیاسیون روس دارای خطرات عظیمه برای خود می پندارند از یکطرف بذرایع رسمی اقدامات سری و علی برای عدم انعقاد چنین اتحادی میکنند از طرف دیگر سعی اند مأمورین بیکه از طرف عثمانی و ایران در اسلامبول و طهران مأمور می شوند کسانی باشند که حامی ملک و پلنگ روس باشند دولت روس توفیقی که ارفع الدوله سفیر کبیر ایران در اسلامبول باشد از عدم پیشرفت چنین اتحادی بین ایران و عثمانی مطمئن است که صورت نتواند بست چه ارفع الدوله همه گونه امتحانات خود را درخیرخواهی و لینعمت خود روس داده و ایراث فروشی خویش را سلطاست مدال و مبرهن داشته اینک هم مانند رحیم خان به پشت گرمی روسیان در سر چنین مأموریتی است که همه قسم خدمت را بتواند به روسها به نماید به فرموده امام جمعه خوئی در مجلس مقدس در ارفع الدوله کسی است که آن قلمی را که امضای شرایط استقرای ایران را نمود طلا گری و بهره اقتضای انجام چنین خدمتی را بدولت

روس می نماید، روزنامه مجلس موجود و مرکب بخواند ملاحظه نماید، آری ارفع الدوله علناً میگوید بیست میلیون ثروت و این همه اقتضایات کنونی من در سایه حمایت روس است ارفع الدوله در لفظ خود در مجلس اول صلح لاهی با آواز بلند میگوید « دولت روس احتراماً دولت ایران را دعوت کرده که در کافران صلح شراکت نموده و یک نفر نماینده باجا بفرستد» این عبارت یعنی چه، یعنی ایران سلطنت مستقل نیست، یعنی ایران حق نداشت که درین مجلس شرکت نماید، یعنی ایران از دواتی نیست که سار حق استقلال خود بتواند شرکت درین گونه مجامع دوله نماید ساده تر، یعنی ایران تحت شاهنشاهی روس است جانی که نماینده روس باشد حضور نماینده ایران رسمی و حقوقی نیست و احترامی است، رجوع به منظومه صلح داشت شود که خود ارفع الدوله در اسلامبول طبع نموده شاید عبر ازین شرح و معنای که برای حمله لفظ او نمودیم خیلی معانی دیگر هم پیدا شود این عبارت فارسی و ساده و تأویل بردار نیست امروز چنین شخص مسلمان يك و وطن پرست تاباك در بای تخت بزرگ اسلام از طرف ایران سیر کبیر میباشد واضح است که در انجام پیشرفت مقاصد روس در عوام اسلامی تا چه اندازه میتواند خدمت باینصورت خود نماید این است که همه روزه اسباب نفرت و نفار تازه چه در سرحد و چه در ممالک عثمانی بین رعایای ایرانی و عثمانی فراهم می آورد و همین اسبابها تنافر دولت بزرگ اسلام را زیاد میکند و چون این دو سلطنت اسلامی امروزه مشروطه و ملی است پس از آئیکه تا در بین این دو ملت اسلام پیدا شد اعتبار از کم ارباب حل و عقد خارج میگردد

امروز اعظم اقدام سیاسی روس در انداختن اختلاف بین مسلمانان بسم شیعه و سنی است طاهر است که این اختلاف خیلی زود در عوام و جهال مسلمانان که طرف غالب هستند سرایت تواند کرد خصوصاً وقتی که تیغ در میان آنها آخته گردیده بیکدیگر را خون خواه گردند دولت روس امروز مستأصل شده و حیات ترقیات خود را درین دانسته و باجیدی وانی و تدابیری صمیمانه از بذل مال و جان باز نمی ایستد و آغاز این امر را از مملکت ترکستان که در خریطه خود اوست نموده البته از واقعات جان سوز بخارا و قتل هزار و ششصد نفر شیعه و سنی آنگاه گردیده اید سه ربع ازین مقتولین شیعه و يك و هفتاد سنی بوده است، این واقعه غیر

مترقبه عقول را حیران داشته چه خارج از تصور بود که میان شیعه و سنی آنهم در ادای مراسم تخریب داری و ایام محرم جنگ و اختلاف بشود و تا امروز هم چنین واقعه بش نیامده بود. شیعه و سنی ترکستان خیلی سخت و زحمت اند و این سختی و زحمتی آنها سبب آرامی و اسباب اتحاد و رابطه آفاق طرفین بود و از سی سال باین طرف خیلی بر مرابطه آنها افزوده بود نه سنی را حرکتی برخلاف شیعه بروز میکرد و نه شیعه را مسلکی برخلاف سنت و جماعت ابراز می شد دستهای غیبی از ماه دیحجه یک نظاری بن شیعه و سنی انداخته مسکه احدی از حقیقت و کینیت او آگهی نیامده چیزیکه معین و مسلم گردیده هشت نفر از مسافرن تازه وارد که بیج نظر خود را سنی و سه نفر شیعه قلم داده این اختلاف را در شیعه و سنی انداخته و این خون ریزی عظیم را فراموش نمودند اعجب بر همه اینکه معلوم نگردیده کدام دست غیبی بعضی احکام از ملامای شیعه و سنی صادر کرده طرفین قتل و جنگ یکدیگر را واجب قرار داده لطیف تر از همه بعضی اشیاء قتاله و حراقه که در دستگاه امیر بخارا هم دیده نمی شد از میان جماعت شیعه و سنی طامر میگردد دستهای غیبی کوشان بود که هر قدر ممکن شود زیاده از طرفین هتل آید اهمیت مسئله در عوالم اسلامیت پیش و نصب مسلمانان از یکدیگر اضافه گردد. عده مقتولان شیعه سنی را درین قتال که احدی تا کنون علت حقیقی و سبب واقعی آنها ندانسته مختلف مینویسند روسها بملاحظاتیکه مدسرس دارند قتلار را خیلی زیاد مینویسند یعنی از ده الی سه هزار ولی محققاً از هزار رشخصد پیش نبوده بلکه کمتر هم میتوان تصور کرد اینک همان دستهای غیبی در ترکستان و تراکه دارند بن آتش را دامان میزد و بید نیست عنقریب خیلی شراردهاش بالا گیرد و علاوه برین دستهای بسیار در راه های دیگر دارد در ایران و عثمانی کار میکنند. در انداختن اختلاف بین شیعه و سنی هم درین دو مملکت خیلی سالی اند خدا کند رؤسای اسلامی و ارباب حل و عقد بی براین نکته باریک برده ازین سبب بنیان کن اسلام جلوگیری نمایند، و غرض فتنه انگیزان را ندانند که بیست مگر محو اسلام. این تدبیر را روسها تبقیب نموده خواهند نمود و هرگاه رؤسای روحانی اسلامی که در حقیقت برخلاف دیانت حقه احدی این اختلاف بین مسلمانان انداخته باشد جلوگیری

جدی ازین سبب نباید امروز نه فردا اسلام نه ده سال بعد بنیان اسلام را متلاشی خواهد ساخت و دفع این همه خون ریزی و دفع علت این انقلاب عظیم هم بدست علمای شیعه است که فرموده حضرت مؤیدالاسلام مانند عمر ابن عبدالعزیز بیرون اتحاد و یگانگی اسلام را بلند سازند (بجی این ذکریا) **نگارش یک از اسلام خواهان**

حسنت بافاق ملاحظت جهان گرفت
آری بافاق جهمان را توان گرفت

شماره ۷۹ نامه مقدس رسیده همین که چشم افتاد در صفحه اخیر بعبارت ذیل (در بخارا بین فریقین شبهه و سنی فساد شده و ۷۰۰ نفر قتل رسیده اند) نمیدانید چه حالی رخ نمود.

خونابه میچکاندم از گریه سوز دل
خوش گریه بیست بر سر آتش کیابرا
اگر چه میدانم

بر سه دل چه سود گفتن وعظ
زود مبخ آهنین بر سنگ
ولکن از باب

حافظ وظیفه تو دعا گفتن است و بس
در بند آن مباش که نشنید یا شنید.

بالعجب چه شده است که ما مسلمانان هنوز در ادنی مرتبه وحشیت و بر بریت مانده خیر را از شر و نفع را از ضرر تمیز نمیدم

چشم باز و گوش باز و این عمی
حیرتم در چشم بندیمی خدا.

حاشیه - از نکته بنیان و علت و معلول دانان استنار می شود که چرا عموم مسلمانان اینطورند؟ اگر میفرمایند از بی علی است عرض میکنم عمده سبب عدم شیوع علم چیست؟ چرا تمام ملل عالم عالم شده اند الا مسلمان؟ ببقیده بنده هیچ سبی نیست جز عدم تعلیم نسوان. خواهش می شود هرکس رای خود را در این خصوص مشروحاً بنویسد ما مسلمانان هنوز نفهمیدیم که انسان در دنیا راحت میخواهد زودت میخواهد عزت میخواهد..... و این نمی شود مگر باینکه دارای ملت و مملکت مستقل بوده باشد حتی کسانیکه تجارت وطن فروشی دارند و میلی بر فرض هنگلات میگیرند نمیپندند که عن قریب پسران شان غلام ذلیل دوشخزان شان کین خوار اجنب بی رحم خواهند شد.

خود خطیطن من از مغزی منگوش بود
این از او شد. عاقلی را پنداشت نبود

افسوس این است که اغلب از چار دیواریه خود بیرون نرفته نمی بینند ملی که بچنگ اجنبی گرفتارند بجه ذلت و خاری و فقر و مسکنت مبتلا میباشند و تواریخ هم نخوانده میدانیم که هیچ ملت و مملکتی ناپود نشد مگر از اختلاف مذهبی و خانه جنگی ، مثلا همین هندوستان که اقدم ملل و سوم مملکت وسیع روی زمین است ۱۵۰ سال است که انگلیسها آمده در بستر راحت غنوده اند هر چه اهل بنگال و سایرین داد و فریاد میکنند اینها صدای زنبورش میخوانند زیرا که میدانند اگر امروز انگلیسها از هندوستان بروند همان روز جهت اختلاف کثیره مذهبی بتبرستان هند من جمله برهن ، تلی ، چهار ، وایشنو ، شطری ، ویشی ، شوره ، سنار ، کایست ، تشر ، پشر ، بهارپوا ، . . . و از خارجه مثل نصرانی ، مسلم ، یهود ، و غیر ذلک زمین هند دریای خون گردیده باز انگریز آمده عزتت هزار مرتبه پیش از پیش خواهدشد ، این است که رموز دانان هند وجود دولت فخریه انگلیسرا رحمت الهی میدانند و بجا است ، زیرا که امروز دیگر پشیانی هندوان سودی ندارد

ندم زید ولم ینفعه الدم ، فاعتبروا یا اولوالابصار
 گوش اگر گوش من و ناله اگر ناله تو است
 آنچه البته بجهان نرسد فریاد است

فرنگی مآبان که چند روزی در یورپ مانده جز تعلیمی بدست گرفتن و دستمال بگردن بستن چیزی یاد نگرفته اند میگویند که باید در مملکت مشروطه آزادی مذاهب شود ، نمیفهمند که مقصود اروپائیان آزادی مذهب این است که مذهب رسمی ماعیسوی است اگر کسی غیرعیسوی ازخارج وارد مملکت ما شود بواسطه مذهب او را بد نگفته و اذیتش نخواهیم کرد ، نه اینکه هر بی سواد و بی مدرک و احمق مثل سید علیمحمد باب پیدا شده بخواهد اسباب تفریق ملت و خانه جنگی فراهم بیورد اگر اروپائیان قیدمذهب نداشتند حال ملیانها پادری و مبلغ باطراف و زوایا نقرستاده و منحل اینهمه مصارف فوقالعاده نمی شدند ،

بین مسافت ره از کجا است تا کجا
 گمانیکه نیشه اند شاید باور نمایند که آن قدر
 برای ترویج مذهب پونج جمع کرده اند که سود آن

کفایت مخارج اینها پادری و مبلغین را میکنند ، از طلب دور نیشتم امروز فرض نمه هر مسلمانی که اندک شعور دارد کوشش در اتفاق و اتحاد میان شیعه و سنی است والا نزدیک است که آب از سر بگذرد و پشیانی سودی ندهد ، ای مسلمانان بصاحب اسلام سوگند که این اختلاف شما نعمت بسیار بزرگی است بدشمنانان آنها راضی هستید که مراراً و کرور خسارت بکشند اما این اختلاف از میان شما برنخیزد ، زیرا که وسیله ملک گیری امروز منحصر همین است و بس که میگویند دعوا و منازعه کار حیوانات است انسان یعنی مانوس و تمدن ، شا که خون یکدیگر را میریزد اسباب ضرر های ما است من جمله سد باب تجارت پس شا جنس بلافضل هستید و محتاج صاحب و محافظ حق اغلب اوقات آشکارا خودشان فسادناخته ملک گیری میکنند بزورج چهره زلفت همه شب زند ره دل چه دلآوری است دزدی که بکف چراغ دارد حالا ای مسلمانان دیگر بس است خذوا النایات و اتوکوا المبادی

- (یکونیم شکوه و عهدهی که درالت)
- (با هم به بسته ایم در اینجا وفا کنیم)
- (ما هم برادرانه علی رغم مدعی)
- (دستق دهیم با هم و شوری بیا کنیم)
- (درعیش ونوش وتنهت ازهم سبقوریم)
- (بر می کشات عهد ازل اقتدا کنیم)
- (حکومت کنیم دست سنبداد از ملک)
- (قانون شرع و عدل بخود پیشوا کنیم)
- (از ورطه هلاک بساحل کشیم رخت)
- (بر مسند جلالت اسلام جا کنیم)
- (شد شرع پاک احمد مختار باجمال)
- (در راه دین وظیفه خودرا ادا کنیم)
- (احبابرا ز بحر بلا برگرانت کشیم)
- (اعبار را بجهر وفا آشنا کنیم)
- (هر جا که مسلم است زتازی وتوک و فرس)
- (بی قید اعتبار برادر صدا کنیم)
- (خیزیم بر حمایت و با دست اتحاد)
- (پیرامن صبوری خود را قبا کنیم)

چون بدبختانه مسلمانان در صدی نود بی علمند و اخبار نخوانند تکلیف امروزی خودرا نمیدانند

لذا یقیناً بنده وظیفهٔ ثانویان و غیره نماند است که مثل اروپائیان در محابر و شوارع هر روز ایستاده بزبان مغوش و عبارات نرم و شیرین تکلیف عوامرا بفرمانند و ره تا مکاتب باز و مردم واقف شوند دشمنان کار ما را تمام کرده اند. قال امیرالمؤمنین علیه السلام رحمه الله امرأ سمع و اطع

ح - م - ابولقلم همراه
خلاصه اخبار دلگداز آذربایجان
 (خلاصهٔ رور امه شریفه حکمت)

پسر رحیم خان چلیبایلو که در محال (آلان براعوش) سای چپاول را گذاشته و بعضی از ده های محال مذکوره را جاییده و کم کم دامنه چپاول خود را بطرف (سراب که فعلاً مقر اردوی دولتی است) می کشاید جناب حاجی شجاع الدوله به مهمیت جناب سعیدالملک سامور جلوگیری و چند روزیست که بطرف (آلان براعوش) حرکت نموده سایر اخبار واصله در یکی از نقاط محال مذکوره مصادمه واقع و عده از اشرار مقتول و عده گریخته و خود پسر رحیمخان فعلاً در قریهٔ جال آباد متوقف است و ابورت احد - وال این است جناب حاجی شجاع الدوله امیر یونان ۲۹ دهمه در قریه (آلان براعوش) با پسر رحیمخان مصادف و جنگ صحتی نموده چهار سر را مقتول و باقی را عقب نشانده اند بعد از رسیدن این خبر توپ و قورخانه و سوار فوری فرستاده شد بحمدقه در مرحلهٔ اول قنچ و نصرت با سپاه طر نمون بوده است و خود پسر رحیمخان محال (آلان براعوش) را تخلیه کرده و بقریهٔ مهربان رفته است فعلاً قصبه و اطراف در کمال امنیت و انتظام است

تقریر رحیم خان

جناب رحیمخان چلیبایلو مکتوبی به جناب حاجی شجاع الدوله در (آلان براعوش) فرستاده و ایکه اولیای دولت روسیه حمایت از محمد علی نموده و بنمایند و این مسئله را هم روزنامه های روس نوشته و انتشار می دهند در مکتوب خود اشعار داشته و جناب حاجی شجاع الدوله مراتب را تلفرافاً بمرض ایالت جلیله رسانیده لذا از طرف لیالت جلیله به قونسلگری دولت روس اطلاع داده شده و جنرال قونسلگری مشیروحهٔ نوبل را

جواباً بایالت جلیله طرقتوم دعایته اینک در ذیل نوشته میشود

جواب جنرال

(قونسلگری روسی به ایالت تبریز)

جناب مستطاب اجل اکرم الفخیم دوستدار استظهارا متفق محترماً از مضمون مراسلهٔ مودت مشمول آت جناب مستطاب دوستدار استظهاری مورخه ۱۲ خبر ۲۹۷۰ - ورت تلگراف جناب مستطاب اجل آقای شجاع الدوله که متضمن مضمون مراسلهٔ رحیم خان خطاب به جناب معظم له بوده استحضاری لازم بعمل آمد. جواباً با نهایت توقیر و احترام زحمت افزاست به مطالبی که رحیم خان خطاب به جناب معظم له نموده استحضاری لازم بعمل آمده جواباً با نهایت توقیر و احترام زحمت افزاست به مطالبی که رحیم خان در مراسلهٔ خود اشاره نموده و نسبت آن را بروز نامه های روس داده ابدأ صحت ندارد و این جور اراجیف بی اصل را در روزنامه های روسیه نوشته اند و دروغ محض است و کارگذاران آذربایجان و رؤسای اردوی دولتی که مأمور انتظام مملکت اشرار مستند باین اشتهاات دروغ رحیم خان نباشد اعتنائی نمایند و مخصوصاً خواهشمندم آن جناب مستطاب دوستدار استظهاری مضمون همین مراسله جوابیهٔ دوستدار را به جناب مستطاب حاجی شجاع الدوله اعلان فرمائید که از مطلب مسبوق شده و بین قبیل اطهارات اختراعی دروغ رحیمخان اعتنا نه باید. ایراد جواب لازم بود بمقام مزاحمت برآمد چه زحمت افزا شود عدهٔ سواریکه سالار ملی به (اغیان) فرستاده بود گویا یا (پورتچی) صرف و چهار نفر از (پورتچی) مقتول شده است

ایضاً

از قرار معلوم اردوی زنجان به سلامتی وارد و با مختصر زدو خوردی وارد (امر) شده و از قراریکه میگویند یقزم خان به تعاقب پسر رحیم خان رفته است و (پورتچی) هم باز به محل های خود شان عودت کرده و در جاک سراب نیستند

اردبیل

جناب در سعید الملک حکمران (اردبیل) در آسایش باطلی بطوریکه لازم است اقدامات درجهت

چنانچه حقه تامین حدود (اردبیل) را مکتوب شده و به جناب (سرهارد عینی) رئیس کل اردوی (آستارا) صراحتاً قول داده که اردو را مراجعت بدهد و فعلاً آسایش عمومی بر قرار و یکی دو هفته است پست آمدوشد میکند، خود جناب و شیدالملك نیز مشغول استرداد اموال منبوه هستند (راپورت سراب) اردوی زنجان هم ماه وارد (آلاب برانخوش) و باردوی تبریز ملحق شده و صبح یازدهم سبقت در جنگ نموده و پسر رحیمخان و تام کاش از (مهربان) و (جمال آباد) (و هریس) با شکست فاحش و کشتار زیاد به سمت قرجه باغ فرار نموده

تظلم با امضا - عبرت للناظرین

مرحومه بی بی فاطمه صیبه مرحوم شیخ حسین خان آل مذکور در ۱۸ رجب مرحوم شد فدوی شیخ عبدالحسین و برادر اعمای شیخ محمد و همسیره بیوه که اولاد مرحوم شیخ احمد آل مذکور که همی آن مرحومه باشد هم

احوال مشایخ آل مذکور را اگر بخواهم مشروحاً عرض کنم موجب تصدیق خواهد بود البته خود حضرتعالی بخوبی اطلاع دارند که چه خدمات بدولت سکردند و در واقع احداث خلیج فارس مخصوصاً بوشهر از این خانواده بوده

آن مرحومه در حیاتش شوهر اختیار نکرد و در اواخر ربیع الاول ۱۳۲۷ در بوشهر ناخوش شده از آنجائیکه ضمیمه بود کامله هرکس به عیادت او میرفت در تاریخ پنجم یا ششم جادی الثانی جناب آقا شیخ علی دشتی که ملائی است از اهل دشتی و حال قریب سه سال است بوشهر آمده و بدینوجه قرآنی یا خویشی با مشایخ آل مذکور ندارد بجهت عیادت نزد آت مرحومه آمده قریب نیم ساعت نشسته و مراجعت میکند

دو روز بعد سه اوراق نزد آت مرحومه میفرستد که این ها را بجهت تمین و تبرک مهر کنید آن مرحومه میدهد آنها را میخواند که یکی از آنها وصیت نامه است که جناب آقا شیخ علی را وصی قرار داده و دیگری وقفنامه است که بکس عمارت بیرون شهر و خانه در شهر که محل سکونت خواهد

آن مرحومه بوده وقف نموده و تولیه آنرا بجناب شیخ وا گذارده و سومی مصالحه نامه ایست که دو طرف خانه با آنچه مالیه آت مرحومه است بجناب شیخ علی مصالحه کرده به یکمن نقد این مطلب را که آن مرحومه ملتفت میشود فوری بنای گریه و زاری گذارده و به کشته شیخ بد میگردد آن را دست خالی مراجعت میدهد

بعد کاغذ مفصلی بانجمن مقدس ایالتی بوشهر مینویسد تقریباً باین مضمون که من ضمیمه هستم کامله و جناب آقا شیخ علی بیبادت آمده و حال سه ورقه فرستاده که آنها را مهر کنم و حل آنکه یکی من وصیتی نسکردهام و خودم وارث دارم شماها که نمایندگان ملت هستید برای رضای خدا از جناب آقا شیخ علی که خودش یکی از اعضاء انجمن ایالتی است سؤال کنید چه وقت وصیت کردهام و چه ملکی مصالحه کردهام برای رضای خدا چند نفر از شما ما بیاید از من سؤال کنید که وارث من کیست و هر سه ورقه را بدون مهر، مقراض کرده جوف عریضه بانجمن مقدس میفرستد

اعضاء انجمن بملاحظه اینکه جناب آقا شیخ علی یکی از اعضاء است خجل نشود کاغذ را نمیخوانند در اجلاس دیگر یکی از تجار که اعضاء انجمن بوده اظهار مینماید که کاغذی از صیبه شیخ بانجمن رسیده چرا قرائت نمیشود گویا آن روز هم جناب شیخ حاضر نه بوده کاغذ مزبور قرائت میشود قرار بر این میگذازند که سه نفر از اعضاء در منزل آن مرحومه رفته تحقیقات نمایند خبر هم بآن مرحومه میدهند و هرچه منتظر میشود کسی نمیرود تا فوت آن مرحومه که در ۱۷ رجب واقع میشود (چرا تشرف نبردند خدا میداند) بعد از عریضه دادن بانجمن تا زمان فوت هرکس و ملاقات میکرده همین مطالب را مذاکره مینمود و در ضمن کاغذی چند برای حقیر نوشت یکی در تاریخ ۲۴ جادی الثانی دیگری غره رجب که فوری از ناصری حرکت میکن که من ناخوش هستم و هرکس را ملاقات میکرد اظهار میداشت که فلانی را به طلید و چندین تلگراف هم از دیگر آت برای فدوی رسید که زود حرکت کنید خود را به بوشهر و سال که بی بی سخن ناخوش است و شاره

میخواهد

فدوی از اداره کربک خواست مرخصی کردم
اداره کربک مرخص نکرد

و بعد جناب آقا شیخ علی ملاحظه میکند که
بدنام شده بخيال افتاده یا به عبارت اخیری طمع
ایشان را محرک ساخت، سه ورقه دیگر مثل اوراق
اول درست نموده بمهر خود و مرده و ابداً مهری
از اهالی بوشهر ندارد، در وقت انجمن غیر رسمی
بعضاء اراکه میدهد جناب آقا سید اسدالله خارقان
و جناب آقا سید محمدعلی مجتهد میفرمایند صیبه شیخ
در انکار این اوراق عریضه منصلی بانجمن نوشته
جواب فرمایشات را چه دادند نمیدانم

جناب آقا سید محمد علی که از احوالات آن
مرحومه با اطلاع بودند میفرمایند این املاکی که در
این اوراق نوشته وقف و صلح شده غالب در بیع
خیار است چگونه ممکن است قبل از رد نم
وقف یا صلح شود، جناب شیخ علی دیگر اظهاری
نکرده بعد از چند روز باز اوراق را اراکه میدهد
میپتند که اوراق حاشیه شده که حق فسخ خیار
هم با خود شیخ است، جناب شیخ آن را سواد
مطابق اصل کرده میدهد مهر کنند، جناب آقا
سید محمدعلی و آقای صدر الاسلام و سایرین در مهر
کردن امتناع مینمایند

آن مرحومه روز ۱۸ رجب فوت میشود
فوری جناب آقا شیخ علی و جناب آقای امام
جبه حاضر میشوند، جناب آقا شیخ علی ادعا میکنند
تمام مالیه طال من است جناب آقای امام هم میفرمایند
من وصیت نامه در دست دارم سکه آب
مرحومه وصیت کرده و مرا وصی قرار داده تا
وارث برسد جناب شیخ قبول نکرده بلکه حاضر
میشود برای فساد در صورتیکه هنوز میت زمین
بدون غسل و کفن جناب آقای امام بملاحظه اینکه
فسادی برپا ننمود سکوت میکنند روز ۲۴ رجب
جناب آقا شیخ علی مأمور میشوند سکه بطرف
عباسی حرکت کنند از حضرت اجل آقای دریاپکی
حکمران خلیج ابراد میگیرند که من حرکت نمیکنم
تا آنکه تمام ترکه مرحومه بی بی فاطمه را به تصرف
من بدهید حضرت حکمران هم بملاحظه چند
بفرستد که بمنبره و اخوی و چند نفر آن مرحومه

از منزل خارج شوند و آنها بیرون خدمت جناب
حاجی عبدالرسول رئیس القجار و جناب حاجی سید
محمد رضا و جناب حاجی میرزا غلامحسین که از اعضاء
انجمن بودند مجز و الحاح نموده حضرات هم کاندی
بحضرت حکمران مینویسند که اسباب زحمت
حضرات نشوند ولی جمیع اثاث الیت را دو چند
اطاق گذارده و مهر میکنند، فدوی بزحمت زیاد
تحصیل مرخصی نموده ۲۹ رجب وارد بوشهر شدم
قریب بچاه روز در بوشهر منتظر بودم جناب شیخ
مراجعت نمیکردند از بندر عباس چونکه دولتی
بیشتر اجازه نداشتن مراجعت بنامری نمودم

در ماه شوال شدم که جناب شیخ مراجعت
کرده مجدداً مرخصی گرفته به بوشهر رقم چند
مجلس حضرت حکمران را ملاقات کرده عرض حال
خود را کردم فرمودند چیزی بجناب شیخ بدهید
و بام صلح نکنید نمیدانم بچه حق چیزی باید
بایشان داد گذشته از قرار اظهارات جناب شیخ
معلوم لا اقل نصف مال را میخواهند و هیچکس
هم نیست سؤال کند که جناب شیخ شما چه حق
دارید و بچه حساب مطالبه مینماید بحضرت حکمران
عرض میشود میفرمایند چه بکنم طرفدار است و
نمیتوانم جاره کنم متحیرم که عرض حال خود را
یکه بنمایم آیا سزاوار است امروزه هم باین بزرگی
ظلم قاحش شود، از آن وجود محترم که حامی نوع
انسان و حقوق حقه بشریت هستید استدعا میشود
که همراهی و مسالمت فرموده بلکه رفع این ظلم
بشود زیاده ممدع نمیشود

(فدوی عبدالحسین آن مذکور)

جلال المتین

چون لایحه با اعضاء و برنی از موثقین اداره
نیز صحت آن را تصدیق نموده اند هیچ نمودیم و
گویا برای بچارگی اهالی دور از مرکز بهتر این نامه
ظلم و اجساد و تادی میباشند امیدواریم انجمن
ولایتی بوشهر و جناب حکمران نگذارند چنین حق
تلفی بین که مخالف یا هر شریعت است در این
دوره نورایت ایران در بزرگ ترین سرحد مملکت
پیش آید، چقدر خوش وقت خواهم شد که رفع این
فائده کتیبه بدون آنکه جلال المتین بجهت
مطلع شود شریعتاً

حق را باید گفت: و حقیقت را نباید نهفت

(وقایع ننگر ما از اصفهان)

(۱۷ ذی حجه)

چندی بکان اینکه حال دیگر نوبت تماشای اعمال
خیرخواهان و اقدامات طایفه اولیاء امور و سرداران
خالص نیت ملی است و باید چندی فارغ البال از
جلادتهای پسرشاه، مصادر امور محفوظ شد نواقص
و عیوب داخله را نگفتن و نوشتن صلاح وقت
نصور میکردم ولی معلوم میشود اشتباه بزرگی کرده
باید نقادی نمود تا درد ما علاج شود و مزمن
و مهلك نشود

امروز روزی نیست که درد مملکت را بملاحظه
اینکه شاید بمقام منبع سردارها و مجاهدین برمی خورد
ناگفته بگذاریم و خود را مضحکه اجانب ساخته
استقلال مملکت را زیر دست و پای پکشت مغزور
بجبهت در حال احتضار واگذاریم

بل این اشتباه خیلی بزرگ بوده و هست. چرا؛
برای اینکه احتمال ضعیفی داده ایم اگر دست های
مقتدر امروز مملکت را چندی مختار بگذاریم همان
نیت خالص وطن خواهانه که آنها را تا نیمه راه
درست آورده باتمام این عمل وطنی این راه و ادار
خواهد نمود، و حال آنکه کسی که دست ناختم
و دنبال شکار رفتن را خوب میداند لازم نکرده است
کباب کردن و خوراک درست کردن را هم خوب
بداند، اگر او در صورت ندانستن بعهد بگیرد
زیادروی و رودربایستی کرده است اگر مام از او
توقع کنیم بیجا و برهوسنای و چاپلوسی خود دلیل
آورده ایم

در حال احتضار دیدن استقلال مملکت جایی
رودربایستی و ملاحظه نمی گذارد

امروز موقع آن نیست که چوٹ فلان حاکم
بسته فلان سردار است باید تجاوزات و تعدیات
مملکت خراب کن او را بملاحظه آن سردار مسکوت
عنه گذاشت و همه نوع تحمل استبدادهای گوناگون
فروع و شاخه ها را نمود، برای اینکه از فلان
اصل روئیه شده اند، الحمدالله قریب پنجاه روز است
پارلمان افتتاح و کابینه وزراء معین و حالا باید کارها
بجبرای شروع حرکت نماید وزارتخانه ها باید بصورت
قدیم را انداخته شکل اداره پیدا نماید و در هر

وزارت خانه اداره پرسنل تشکیل شود و مرکب
را برای اینکه کافی و خدمتگذار و درست کار و ملامت
است باشغال دولتی مفعول دارند نه برای اینکه
منسوب فلان وزیر است یا در فلان مقدمه خوب
تیر انداخته است، باری امروز چشم ملت با اقدامات
پارلمان و کابینه وزرا که خوشبختانه غالب آنها از
وکلاء ملتند دوخته شده و منتظرند راه سعادت
ایران را باستانی صاف و باز نمایند

از اوضاع اصفهان مدتی است چیزی عرض نه
کرده ام انجمن ولایتی الحقی والانصاف وظیفه خود را
نمیداند خیلی شبیه است به يك قرائتخانه بی نظم برترتبی
که گاهی در آن مباحثه و نزاع هم بشود و کلاه انجمن
همچو فهمیده اند که باید بانجمن حاضر شود و
عرایض دعوائی و حقوق مردم را رسیدگی نموده
رجوع بصدیقه یا نظمیۀ نمایند پائینوصف ما بن بعض
از وکلاء هم بواسطه اغراض سابقه تقار و کدورت
است و کار بجائی رسیده که ضدیت بجبهت آنها در
هر جلسه واضح و آشکار میشود، مثلاً اگر یکی از
آنها بگوید این جاروب است دیگری میگردد خبر این
سوسک است و در این دو عقیده متباین طرفین
جد مینمایند و دو ساعت وقت مجلس در سرآب
دو مهمل صرف میشود، مخصوصاً دو نفر از وکلاء
که هر دو از يك قایل هستند وقت انجمن را بضدیت
میگذرانند، بعضی از وکلاء هم محض تصدیقند و تصوری
در آنها نیست، يك عیب کار هم در آنجاست که
تمام اعضاء میخواهند خود را نزد موکلین دلسوز
قلم داده محبوب القلوب باشند بدین واسطه گاهی حمایت
های بیجا از موکلین خود نموده صرفه هیئت جامعه
ملت را رعایت نمی نمایند، عیب بزرگ دیگر آن
است که اکثر نمایندگان انجمن از رؤسا و ملاکین
و مالیات بده هستند، و طبناً مایل باداء حقوق
دیوانی و عوارضاتی که حکماً من بعد تحمیل خواهد
شد نیستند، از آنطرف هم هر کدام مبالغی حقوق
دیوانی دارند و مسلم است مایل نخواهند شد وقتی
چیزی از این حقوق کسر شود، از این جهت است
که با آنها همه اصرارهای طهران در کسر حقوق و
نادیه فروعات و تعاقب تسعیر تن در نداده اند، و
باز میخواهند طهران اظهار نمایند، راه ترفیقه
موکلین را هم اینطور دانسته اند که باید حتی الامکان

باز مالیات را تا پیشوند از دوش آنها برداشت ،
ولو صد دینار هم هست برای آنها تخفیف گرفت ،
دیگر تصور نمی فرمایند که مشروطه بی پول صورت
نخواهد گرفت ، ملت و مملکتی که دارای مشروطه
است باید پول بیشتر بدهد ، منتهی باید در صرف آن
دقت نمایند که بجا و بی محل صرف نشود ، یقین
باید دانست مالیات های گوناگون جدیداً تصویب
و بر ملت قانوناً تحمیل خواهد شد ، باید انجمنهای
ولایتی و ایالتی در دریافت آن اهتمام فرمایند و
آن وقت را که تور کوراه در ندادن آن میفرمایند
در صرف کردن و بموقع خرج کردن آن نمایند
مسلم است رعیت منتظر شنیدن کلمه تخفیف است
دیگر کار تمام است علی الخصوص که چند نفر از
آقایان صاحب نفوذ ملاک که در باطن بواسطه راه
داشتن در انجمن ملول و اصلاً از وضع حالیه
دلخوش نیستند تحریکات ماهرانه از هر سو و هر کنار
مینمایند و رعایا را بجزارت و تور وادار مینمایند
مثلاً بگفته پس از تلگرافات عدیده وزارت
جنگ در خصوص خانواری سرماز جلالی که مأمور
طهران و باید حتماً حرکت نماید جدا در انجمن
سخت گیری و بالاخره بکسورت و بعضی مذاکرات
رسید و دو هزار و پانصد تومان تخفیف گرفته شد ،
حالا زبان انجمن کنند است که نمی تواند بگوید ، این
قوسی که مأمور طهران و باید تا عید تدبیر طهران
حاضر باشد چرا برفته است ، اگر با آن اقتضاح
آن تخفیف گرفته نشده بود ، حالا انجمن با کمال
جرات و سختی میتواند با قای سردار ظفر فرماید
چرا فوج نمی رود؟ چرا منظم نیست؟ چرا تمام نیست؟
و هزار چرا های دیگر

یکی دیگر آنکه مسلم است بلدیة هر شهر تا
دخل نداشته باشد توقع خرج از آن نباید داشت ،
و بلدیة در ایران امری است مقدمات و حکماً باید
دخل آنهم منحدت باشد و بیچاره بلدیة هر محلی را
که برای دخل اداره معین کرد انجمن ولایتی رد
نمود و از آن طرف هم مخارج اداره نظمیة
سوانة بلدیة شد ، محل دخل را تصویب فرمودند
ولی محل خرج را فوری التناز کردند ، و بالاخره
فهمیدند که بلدیة بی دخل نمی شود حالا یکی دو
قره محل برای او تهیه کرده آنها خیلی منت

دیگر از تمام مدافع این انجمن و شاید سایر
انجمنهای ولایتی و ایالتی آن است که حکم تصویب
شده پارلمان و قرارداد وزراء را باید مطرح مذاکره
نموده در اجرای آن صلاح بینی نمایند و اگر ممکن
شود رد نمایند بعبارة اخری کم کم خود را یک چیزی
در مقابل پارلمان تصور فرموده اند که ممکن است
مقابل و صلاح بینی های ضدیت نیز نمایند و خل
آنکه انجمنهای ولایتی و ایالتی محض استحکام بنیان
پارلمان است و تسجیل احکام دارالشوری اول وظیفه
آنهاست و الا هرگاه رایحه اختلافی و ضدیتی در
این بین مشهود شود خطب از انجمن است نه از پارلمان
آنچه بنظر نگارنده میرسد وظیفه انجمنها آن
است که بطور نظارت در ادارات مشتگانه که شباهت
وزارت خانه های مرکز است دقت نمایند که آیا
مطابق قوانین موضوعه و قرار داد های وزارتخانه
معمول و مجری میدارند ، یا نه مثلاً مالیاتی که در
پارلمان تصویب و قرار وصولش را وزارت مالیه میگذازد
بهان قسم وصول مینماید یا خیر ، و یا آنکه بعضی
که باز در پارلمان تصویب و وزارت مالیه معین
کرده است صرف میشود یا خیر ، یا آنکه مثلاً
وزارت عدایه و معارف و جنگ آنهاست که در
دایر کردن شعبات خود در ولایات کرده اند موافق
قوانین موضوعه است یا هر کدام برای خود مرکز
استبدادی علیحده است ، و بالاخره با ملاحظه
یشرف مقاصد مشروطیت و انتظام مملکت در حسن
اداره مملکتی که بصورت هست اداره تشکیل یافته
کوشش و تا اندازه نظارت خود اقدام نمایند هنوز
معنی دخالت و نظارت برای امنای انجمن مکتشف نیست
باری یکی از عیب های بزرگ که باز علنش
عدم اطلاع بوظایف میباشد آن است که وکلاء انجمن
هیجوقت دماغ خود را برای خیر امالی و یشرف
مقاصد ملیه بکار نمی اندازند یعنی فقط محض آن به
انجمن میروند که فلان رعیت یا قال مریشه مزخرف
یا انجمن بدهد و مطرح مذاکره نمایند و الا هیجوقت
دیده و شنیده نشد بلکه بخواب هم دیده نشد که
یکوقت رئیس انجمن در آخر وقت باعضاء اخبار
نماید که در جلسه بعد در خصوص معارف استنبان
و اینکه وزارت معارف هیچگونه توجهی در تشکیل
اعاره معارف در استنبان نکرده و فراموش آوردن

توانیبات آن صحبت خواهد شد و هر کدام از وکلا باید فکر خود را حاضر نموده تا در این موضوع مذاکرات همیشه بشود

با اینکه هیچوقت انجمن باین خیال نیفتاده که احتلال امنیت که در اطراف حاصل شده و اموال مردم قافله قافله غارت میشود مطلقاً است بزرگ و حل مسئله صرف فکر لازم دارد باید از حکومت خواست یا از وزارت یا علاج دیگر دارد و یک کاغذ نوشتن بایالت یا دو سه لفظ قانون گذشتن نایبند حکومت در انجمن و معادیر یعنی ایالت نباید ساکت شد تا رفقای قافله تمام اموال اهالی را غارت نمایند ایالتی که ماهی بجهزار تومان بسم حیره سوار و حق الحکومه بگیرد نباید در دو فرسخی مقر حکومتش صد نفر سوار بقاله زند ، یا در مجبوحه آبادی وسط روز آدم بکشند

از تمام این اقدامات گذشته امروز تمام امورات مملکت باید بشکل اداره درآید تا کار مشروطیت در آنها جریان بتواند نمود ، هیچ عیب ندارد انجمن امورات داخلی خود را اداره نماید و انتظام داخلی را با کمال دقت رعایت کند فقط چیزی که میتواند از قلبات بعضی متفذین مقدس صورت و وکلاء عظام جلوگیری نماید اداره کردن امور داخلی انجمن و رعایت انتظام آن است ، اداره کردن امور داخلی یعنی رئیس انجمن قانوناً بوظایف خود معاون بوظیفه مقرر خود و همچنین دفتر دار و منشی و ناظم و غیره و وظایف مقرر قانونی خود را معمول دارند ، و کم کم آن کهنه گی و سلبه های قدیمی را که با قلب و تدلیس مخلوط و باندک تغییری صورت منقور استبداد میگیرد دور انداخته اینکار تازه را با افکار تازه انجام دهند ، اداره نمودن امور داخلی یعنی مذاکرات انجمن طوری مرتب و منظم باشد که منشی انجمن هیئت مذاکرات را با نظم تمام در دفتر مذاکرات ثبت نماید و آث ثبت و دفتر را رسمیت بدهد ، یعنی آنچه در این دفتر ثبت شده باشد اثر رسمیت بر آن بار توان نمود ، وفق نمایندگان فیمیدند هر چه بگویند در دفتر انجمن ثبت و رسمیت پیدا خواهد نمود ، کم کم مزخرف گوئی را کنار بگذارند برای اشخاص شخیص در موضوع ، مثلاً

وقتی امور داخلی انجمن اداره شد و دفتر انجمن ترتیبی یافت هیچ مستتریک تازه وارد نمی تواند یکی دو ایراد انتظامی دست و پای رئیس و وکلا را توی پوست گردو بگذارد و بهمین دو ایراد چشم انجمن را بترساند و بر پشت انجمن سوار شده شنگ و تخمه بزند

در این موضوع روده درازی کردم ولی ضیق مجال و پیش آمد امور هیچ جای نهفتن و نگشتن نمی گذارد ، امروز در هر شهر و ایالت بعد از پارلمان چشم امید شان بطرف انجمنهای ایالتی و ولایتی است ، یعنی پس از پارلمان اول حافظ قانون اول طالب مجدد اول مرکز عدالت اول مجمع وطن پرستی اول دوستدار انتظام اول خیرخواه ملت انجمنهای ولایتی و ایالتی بشمار میرود ، اگر این انجمنها مقدار شرافت خود ننجیده اند نصیر آنها که میگویند ایران شرف نمی فهمد چیست ، هرگاه این انجمنها که در واقع نفس الامر این قدر شرافت دارند ، خود را آورده بکثافات اغراض و اخلاق فاسده و بی ادبی و بی نظمی و روشهای کهنه نمایند از سایر ادارات نباید هیچ توقع داشت ، حق از حکومت و اداره ولایتی هم باید منشر بود که در شهر علی مردم را غارت نمی کنند ، با هر اداره و هر مصدر امری طرف میشوی میگوید آنکه انجمن شایسته این قسم است از ما چه توقع داری

باری انجمنهای ولایتی و ایالتی این مقام بلندی را که حائزند باید با وقار و تمکین و حسن انتظام و ترتیبی که شایسته این مقام است اقللاً ظاهر آن را حفظ نمایند و مذاکره و اوامر و نوشته و مهر انجمن را خیلی محترم و مقدس بداند ، باید اقلاً این تصور را وکلاء انجمنها بفهمند که در انجمن برای خود نمیروند ، و میخواهند این انجمن را مرکز امید اهالی یکولایت یا یک ایالت جلوه دهند باید آن سکون و وقار و سنگینی که در خور این مقام و رتبه است از دست ندهند ، مطالب جزئی که هیچ شایسته مذاکره و صرف وقت نیست در انجمن اجازه اظهار ندهند ، وقت خود را خیلی شریف و عزیز بدانند زیرا این وقت تنها از آنها نیست از تمام اهالی است ، اهالی این نمایندگان را به هیولا و قتل انقلب نظر کرده اند ، برای عقل و دانی و

خبرخوانی و افکار صائب تاخیر کرده اند باید این
انجمنها در امورات صرف فکر و دماغ نمایند نه صرف
لفظ بی سرو پا ، افلا در هر جلسه باید بکنتر از
دردهای اهالی را درمان نمایند و تا میتوانند
بوسائل حسنه نفوذ و اقتدار انجمن را زیاد نمایند و
نگذارند بیروز بعضی سنی‌ها و بی‌مبالاتها حکومت
و ادارات بر آنها فوق حاصل نمایند ، و این ممکن
نخواهد شد مگر آنکه تجاوزات قانونی از آنها سر
نزد و تکلیفات خود را فهمیده و رسیده انجام رساند
هیچ لطمه برای هیچ اداره سختی از آن نیست که
از قوانین موضوعه تخلف نماید و بهانه و ایراد دست
دشمنان دهد ، همین یک نقص از عظم و شان و
دست انجمن یا اداره خواهد شکست و داد از
دست خواهد رفت

مسلم است هیچ نگفتن بهتر از آن است در
مطلبی که جزئی و هیچ ربط بمقام منبع انجمنها
ندارد مذاکره و صرف وقت نمایند چرا بواسطه
اینکه همین مذاکره از وقار و علم انجمن کاسته کم
کم آلت مضحکه مفرضین میشود چنانچه شده است
و می بینم

یکی از تولد های جدید که از غوز های بالا
غوز است انجمن اتحادیه علماست که حد رسیت
آن لایق است و تاسف الوهیت ادعای رسیت
مینماید بر انجمن ولایتی و حکومت و عدایه و پارلمان
و انصاف و شرع همه چیز حکم مینماید ، لازم است
اندازه که از آن میدانم نویسم

انجمن اتحادیه علما چنانچه اسمش دلالت دارد
مرکب است از هیئت علمای اصفهان که بعضی مجبوری
و بعضی لاین شعور هفته بکمرته در آن انجمن
حاضر شده در همه قسم ماسکولات و مشروبات
مذاکره و مباحثه و منازعه و مناسحه و مکاتبه
مینمایند و بی هیچ موجبی رسیت فوق‌العاده پیدا
کرده و در همه کار مداخله و از مراداره و حتی
از انجمن هم باو کار رجوع میشود ، یکی از قرارداد
های این انجمن آن است که روزی دو نفر از علما
بست نمایند که در انجمن ولایتی حضور بهم رسانند
و نظارت در مذاکرات انجمن نموده و خلاف
شرعی واقع نشود دیگر تصور نفرموده‌اند که اعضاء
انجمن ولایتی کسانی هستند که آنها را اهل اصفهان

از علما و غیر علما انتخاب نمود و اگر میدانستند
خلاف شرع کاری خوانند کرده منتخب نمی‌شدند ،
این انجمن مدیر و نایب مدیر هم فاقد وسایل هم
هست و هر هفته منتقد میشود ، مطالب بوتیکی و
و سیاسی هم در آن مطرح مذاکره شده و میشود
خلی از شبایه اغراق در یکی از حیات کار
مذاکره بجائی رسید که دو نفر از آقایان که یکی
از آنها هم از وکلاء انجمن ولایتی است باهم طرف
شده و کار بدشنام و الفاظ رکیکه رسیده و حاض
طرفین کم کم فزونی یافته کار اقتضای بجائی رسید که
که حضرت فقه الاسلام تاب تحمل و تحمل در آن
مجلس نیاورده برخوانستند ، ولی حسن کار علما در آن
است که عمل اصلاح و آشتی را زود ترتیب میدهند
فوری کار باصلاح ختم و جلسه دیگر با دوچندان
سور در محلی دیگر منتقد و باز مطالب سیاسی
مطرح گردید ، در زمان مشروطه سابق انجمنهای
گوناگون بسیار تاسیس و هر کدام پیش از یکی دو
سه ماه عمر نکرد و برهم خورد ، ولی این انجمن
خوب دوام نموده و جهتش هم معلوم است چون
یکی از مواد نظامنامه گویا تصاعد سوری است
بایمینی که در هر جلسه باید از حیث تشریفات یکی
دو درجه و حیات سابقه فزونی داشته باشد و
این مطلب باعث دوام این انجمن است و امید است
کار های بسیار بزرگ فیصله دهد ، وقتی شنیدم از
از خیالات عالیه این انجمن آن است حکه شعبات
خود را در تمام بلاد ایران تشکیل دهد و هیئت
جامعه علمای ایران را متحد نماید و خیلی خیال
طالی است ، هرگاه علماء اعلام در پیشرفت امور ملت
و استحکام اساس مشروطیت چنانچه در مقام ریاست
روحانیت هرساعت و هر روز در اینموضوع احکام
عالیه صادر میشود اتحاد و اتفاق نمایند و قدمی
خیر خواهانه در این راه بگذارند درد های ملت
باندک وقتی دوا و خرابیهای مملکت رو با بادی گذارد
باری مقصود از سستی و بی‌کفایتی انجمن ولایتی
بود که کم خود را زبردست و مورد لطافت هر
اداره و هر حوزه نموده است رسیت خود را از
بی‌مبالاتی در حفظ طاعت و وقار و حسن انتظام
داخلی باخته و یکپندگی دیگر بدینوال بگذرد از